

دیده نشده است و این است که کار ما معوق می ماند .

قانون مالیات بر عایدات شروع شد و در وسط ختم شد در وقت تا شش ماه دیگر . حالا بودجه هم برود و مجلس سری و خصوصی تشکیل میشود و هی مردم منتظر میشوند که کمی بودجه از مجلس میگذرد .

لذا بنده پیشنهاد میکنم (اگر چه پیشنهاد کتبی نداده ام) که اولاً مجلس همه روزه بجز روز جمعه تشکیل شود و تا وقتی که مطالب بجائی نرسیده است ممکن است رستوران درست کنند آقایان غذا بخورند و مجلس مجدداً متعقد شود .

اگر این پیشنهاد بنده قبول نشود برای بودجه بخصوص بنده پیشنهاد میکنم که هر روز جلسات متعقد شود .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای آقا سید بقوب هفته شش روز آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند . (جمعی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد . عده نود نفر .

چهل و چهار نفر رأی داده اند . پیشنهاد آقای مقوم الملك و بین الملك قرائت می شود .

(اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم دو ساعت و نیم بعد از ظهر جلسه هلنی تشکیل شود .

رئیس - رأی میگیریم . . .

بعضی از نمایندگان - آقایان رده شده است .

رئیس - رد نشده است . رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده کمی برخاستند)

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید حسن کاشانی قرائت میشود . (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم : وقت جلسات که امکان سهولت بظهور باشد برای اینکه سر وقت حاضر شوند اشل جریمه را تغییر بدهند .

رئیس - بفرمائید آقا .

آقا سید حسن کاشانی - اغلب آقایان محترم میدانند که پیشنهاد بنده برای این است که عملاً کار بکنیم یعنی اگر چنانچه آقایان دیر تشریف بیاورند جریمه بیشتری بدهند .

رئیس - يك چیزی را که رأی میگیریم باید همین و محمود باشد . چون معلوم نیست اشل را چقدر قرار داده اند .

کاشانی - پیشنهاد میکنم ساعتی دو تومان .

رئیس - مرقوم بفرمائید . پیشنهاد آقای تقی زاده میشود .

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم : جلسات مجلس **هفته پنجم روز بشیراز دوشنبه** و جمعه تشکیل شود .

شود .

رئیس - آقا توضیحی هم دارید ؟

تقی زاده - خیر .

رئیس - رأی گرفته میشود .

آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند . (چندین نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای محمود ولی میرزا قرائت میشود . (بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم : در هفته يك روز (روز پنجشنبه) اختصاص بمنوان مطالب متفرقه پیدا کند .

رئیس - بفرمائید .

محمد ولی میرزا - بنده تصور میکنم مجلس لازم است هفته يك روز را برای مطالب متفرقه تخصص بدهد و تصور میکنم اگر در هفته سه روز هم ما يك وضع منظمی را قائل شویم باز هم کار پیشرفت کند و نگرانی آقایان هم مورد پیدانگردد .

بالاخره دوره چهارم هم همینطور معمول بوده است . هفته يك روز را قرار میدادند برای سئوالات از آقایان وزراء و برای مطالب متفرقه که پیش میآید که ممکن است در آن يك روز آقایان سئوالات و مطالب متفرقه را مطرح کنند و برخلاف آنچه که در این دوره معمول است و آقایان می بینند دو ساعت بظهور مانده جلسه تشکیل میشود هر کدام بعد از دستور مذاکرانی میکنند و همه ناراضی هستند که یا وزراء برای جواب سئوالات حاضر نمی شوند یا نمی توانیم سئوالاتمان را از وزراء بکنیم .

در صورتیکه نه میشود به آقایان وزراء ایراد گرفت و نه بخودمان این است که در هفته يك روز اگر تخصص داده شود برای مطالب متفرقه و سئوالات ممکن است کار بهتر پیشرفت کند .

رئیس - توضیح بدهید آن مسائل متفرقه را که اینجا نوشته اند چه چیز است .

محمد ولی میرزا - مقصود آن مطالبی است که جزء دستور معین نشده است .

رئیس - یعنی همانطور که رأی داده شد که آقایان در اول و آخر مجلس بتوانند اظهاراتی بکنند .

محمد ولی میرزا - سئوالات و چیزهای دیگر .

رئیس - شاهزاده شیخ رئیس .

(اجازه)

شیخ الرئیس - موافقت باین پیشنهاد نمیشود کرد و هیچوقت نمیشود و کلاً را مجبور کرد که در يك روز معین سئوالاتی بکنند اگر مطالبی دارند باید هر روزیکه میخواهند بگویند . نمیشود و کلاً را محدود کرد .

شاید من يك سؤال فوری داشته باشم باید صبر کنم تا روز پنجشنبه و روز پنجشنبه هم شاید وزراء نتوانستند بیایند . این چه

پیشنهادی است ؟

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای محمود ولی میرزا آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند . (عده خیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . چند فقره پیشنهاد دیگر رسیده است ولی آقایان قائم مقام و سر کشیک زاده پیشنهاد کرده اند جلسه ختم میشود .

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

رئیس - با این یکی آقایان موافقت .

(مجلس يك ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -

هو تمن الملك

منشی - علی اقبال المالك

منشی - معظم السلطان

جلسه هشتاد و چهارم صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه اول قوس ۱۳۰۴ مطابق ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بر ریاست آقای هو تمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم پنجشنبه ۲۸ عقرب را آقای اقبال المالك قرائت نمودند

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - البته خاطر آقایان مستحضراست که آقای دبیر اعظم سابقاً یک ماه اجازه خواسته بودند و اجازه یک ماهه مرخصی ایشان هم تصویب شد و این مرخصی هم برای معالجه کسالت مزاجی که داشتند بوده است

ولی در موقعیکه آقای رئیس الوزرا برای انجام وظیفه مهمی بشیراز تشریف میبردند بوجود ایشان احتیاج پیدا کردند و ایشانرا همراه خودشان بردند

معلوم است ایشان بجای اینکه از مرخصی خودشان استفاده کنند آن مرخصی را برای انجام خدماتی صرف کرده اند اینجا در صورت مجلس ایشان را غائب بی اجازه نوشته اند تقاضا میکنم این را اصلاح فرمایند

رئیس - تقاضای کرده اند بکمسیون مراجعه شود کمسیون تصویب نکرده است اگر بنا باشد از باب مرخصی سابق احتساب شود باید مجدداً استجازه نمایند ولی راپورت کمسیون البته در مجلس قرائت میشود و بسته برای مجلس است آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - بنده قبل از دستور

عرضی دارم

رئیس - آقای ملك التجار (اجازه)

ملك التجار - آقای سردار عشایر استجازه کرده بودند که دو جلسه غائب باشند کمسیون هم تصویب کرده بود راپورت آنهم حضور مبارک تقدیم شده بود خود بنده هم استجازه کرده بودم

رئیس - ده فقره راپورت است که امروز قرائت میشود . نسبت بصورت مجلس دیگر اعتراضی نیست ؟

(اظهاری نشد)

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - لایحه راجع بتجدید نظر در قانون استخدام کشوری که به کمسیون مراجعه شده بود بنده نفهمیدم که در کمسیون چه شده و چه نظری اتخاذ کردند

نظریکه آقایان در آن قانون داشتند راجع بهفت هشت ماده بود کمسیون آن هفت هشت ماده را مبتلابه بود نمایانم درش تجدید نظر کرده باخیر از سر شروع کرده

در هر صورت نمایانم علت اینکه چیزهایی که بکمسیون میروند اینقدر معطل میشود چیست ؟

شریعت زاده - کمسیون تجدید نظر در قانون استخدام بواسطه خودش مرتباً عمل کرده است

در موضوع قانون استخدام پس از آن که شوراولش شد از طرف دولت تذکر داده شد که آنها هم در نظر دارند مطالعاتی را بکمسیون بفرستند و کمکی بکمسیون کرده باشند و تاکنون نتیجه مطالعات دولت نرسیده و عنقریب شور دوم آن شروع و راپورت آن بمجلس تقدیم خواهد شد .

رئیس - خبر کمسیون بودجه مطرح است آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده مخالفم ربط بموافق و مخالفت با دولت ندارد يك چیزهایی بنظر بنده رسیده که آن هارا حمل بر این میکنم که خود بنده ملتفت نشده ام

آقای مشیر توضیح بدهند شاید بنده هم قانع شدم و موافقت کنم یکی از چیزهایی که بنده یادداشت کرده ام این است که اینجا عایدات می نویسند خانواری . گر چه در روز آقای شریعت مدار هم در این باب شرحی فرمودند ولی بنده جوابش را ملتفت نشدم که مقصود چیست .

زیرا این خانواری مال وقتی بود که سباز نمیکردند و بنا شد دولت این را چاره

عایدات خودش حساب کند حالا که بنا
سختی سرباز میگیرند دیگر این کلمه معنی
ندارد
یکی دیگر کلمه مالیات غیر مستقیم
است که این کلمه کش دارد و معلوم نیست
این مالیات غیر مستقیم چیست و با این اسم
چه عملیاتی بر مردم میکنند
در بعضی جاها یک رشته در بعضی جاها
دورشته و در بعضی جاها پنج رشته بر مردم
تحمل میکنند
آن وقت در سال بنده همین هارا
جزو عایدات حساب میکنند و میبندند می
گویند عایدات ما اینقدر است و در مقابلش
هم اینقدر مخارج داریم
امسال قریب شش ماه است همدانی
ها متعجب هستند... تعظم دارند که یک
مالیاتهایی بر ما تحمیل میکنند و هیچ تکلیفشان
معلوم نیست
این تعلمات را میکنند آنوقت سال
دیگر هم میبندند میگویند فلانقدر عایدات
ما است در مقابلش هم یک مخارجی می
تراشند
یکی از چیزهایی که با اسم مالیات غیر
مستقیم میگیرند باجهائی است که در راهها
از مردم مطالبه میشود
باید صورت این مالیاتهای غیر مستقیم
بمجلس بیاید که ماه بدانی از روی چه
قاعده و قانونی این مالیات ها را بگیرند
مثلا یک انومبیل که از اینجا بقره تو
می رود باید هفتاد تومان باج بدهد و معلوم
نیست این مالیات از روی چه قاعده
ایست
یکی دیگر مسئله ضرابخانه است که بر
داشته اند یکی دیگر عایدات متفرقه است
بنده این را نفهمیدم این دیگر چه مالیاتی
است
مالیات مستقیم و غیر مستقیم و ضراب
خانه و غیره که هست این دیگر چه مالیاتی
است
بنده ملتفت نشدم و معنیش این است
که هر چه می خواهید از مردم بگیرند
یکی هم مسئله نیم عشا و قاف است
این یکی از مالیاتهای تازه است که مجلس
هم آنرا تصویب نکرده است
در صورتیکه مالیاتی که سابقه نداشته
است باید بمجلس بیاید و پس از تصویب مجلس
بگیرند
این مسئله نیم عشا و قاف را هم بنده
نفهمیدم
یکی دیگر مسئله عواید نظمی است
که آن را هم بنده نفهمیدم
نظمیه یک وظیفه دارد که وظیفه اش
دزدگیری است یا اینکه کسی شرارت یا
هرزگی بکند او را جاب کنند و تسلیم عدلیه
نمایند و اینجایک عواید معینی برای نظمیه
نوشته اند
مسئله دیگر مسئله عواید معانی است که

عدلیه است که اینجایک صدویست هزار تومان
عواید معانی را نوشته اند بلی فرضاً عشر
هم بگیرند ولی در صورتیکه یک عدلیه ششصد
هزار تومان خرجش باشد میخوام ببینم
بچه دلیل عایداتش صدویست هزار تومان
شده است
برای این است که عدلیه کار نمیکند
اینهمه معانی که مردم چهار سال و پنج سال
همینطور مانده معلوم است عدلیه کار نمیکند
که اینقدر عایداتش شده است
مسئله دیگر مسئله عواید بیست است
الان قریب سه ماه است که در مرکز
تبر نیست و حال آنکه در سابق مذاکره
میشد برای تمام عواید دولت تبر قرار
دهند
آن کار را که نکردند پستخانه هم
که همیشه تبر داشت حالا چند ماه است
تبر ندارد و معلوم نیست یک کاغذ را که
میبرند در آنجا چه میشود فقط یک مهر
روی آن میزند
سابقاً من که پول میدادم در مقابلش
تبر میدادند
ولی حالا فقط یک مهر میزنند و معلوم
نیست که آن کاغذ بمقصود میرسد یا نمیرسد
اینجا یک چیزهایی است که بعقیده بنده
باید درست شود
دیگر مسئله اکسید دوفر است که
آقای شیروانی آنروز اشاره کردند
پارسال هم در مجلس آمد بنده مخالف
بودم و صورتیکه بمجلس آوردند خود آن
کسبکه کثرت کرده بود صد هزار تومان
نقضا کرده بود بنده
حالا اینجایک چهار هزار تومان نوشته
شده بنده نمیدانم چرا اینطور شده در صورتی
که آنطور ایشان میگفتند هر تنی بیشتر
از دوشلیک خرج ندارد و بچه لیمه فروش
میرسد و مطابق همان صورتیکه پارسال
آوردند و بنده در پشت همین تریبون عرض
کردم سالی دو صد هزار تومان بیشتر
عیایدی داشت
نمیدانم حالا چرا اینجایک چهار هزار تومان
رسیده است
مسئله دیگر مسئله موسسه رهنی است
اولا این مسئله از چیزهای مضر
است
ثانیاً خلاف شرع است و البته همه آقایان
تصدیق میکنند که در مملکت اسلامی مسئله
موسسه رهنی مضر و برخلاف شرع
است
زیرا یک فرعی میگیرند که معلوم نیست
از روی چه قاعده ایست در حقیقت ربای
همین است و اجازه دادن اینکه دولت از این
قبیل عواید پولی بگیرد معنیش تصویب
یک امر خلاف شرعی است این را هم بنده
مخالفم
مسئله دیگر مسئله عواید متفرقه است که

در دو جا نوشته اند
آنرا هم باید بفهمیم بعد می آید در سر
مخارج مخارج وزارت مالیه همان
طور که آنروز مذاکره شد هفت کرویر
نوشته شده است
این هفت کرویر مخارج گمرک است
که هیچ چون گمرک پانزده کرویر عایداتش
است یک کرویر از هفت کرویر مخارج مالیه
در مقابل پانزده کرویر عایدات گمرک هیچ
الباقی شش کرویر در مقابل شانزده کرویر
عایدات که تقریباً صد چهل میشود
چون عوایدی را که عدلیه پایست تلگراف
یا سایر ادارات میگیرند غیر از عایدات مالیه
است
آنها جمع کرده تعویب مالیه میدهند
یکی دیگر استهلاك دیوان دولتی است
بنده نمی دانم استهلاك دیوان دولتی
چيست
آیا اینهایی که امروز در مجلس متعجب
هستند یا در خارج هستند حساب اینها هم
جزء این دیون است یا خیر
اگر هست جهت اینکه اینها را
مستثنی کرده اند چیست ؟ اگر هم هست
آنرا تصریح بفرمایند که تکلیف آنها هم
معلوم شود
یکی هم مخارج انتقاعی است
در وقتی که صورت مخارج انتقاعی را
آورده بودند بنده دیدم چهار هزار و پانصد
تومان برای مخارج خالصات همدان نوشته
بودند
همان وقت هم بنده با آقایان عرض کردم
همدان خالصه غیر انتقاعی ندارد
حالا خالصه انتقاعی داشته باشد نمی
دانم حتی چنین چیزی هم ندارد ولی خالصه
غیر انتقاعی که دولت خودش در آنجا عمل
کند که هیچ ندارد
استدعای این بود که اینصورت مخارج
انتقاعی را بیاورند که ما هم ببینیم تا موافق
شویم
این بود عراض بنده
رئیس- آقایان سالار لشکر طهرانی
و آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند که
مذاکره در کلیات کافی است
جمعیه از نمایندگان - (بامهله)
کافی نیست چه چیز کافی است
(مدای زنک رئیس)
رئیس- آقای طهرانی
(اجازه)
آقا شیخ محمد علی طهرانی-
در کلیات فقط باید مذاکره این بشود
که آیا بودجه لازم است یا خیر؟
و عایدی ما از کجاست و مخارج ما
چيست
ما در این چهار پنجروزه که وقتمان
را صرف کلیات کردیم تماش در روی
مواد حرف زدیم

چند جلسه هم باید در هر ماده آن
صحبت کنیم آقایانم که هفته پنج جلسرا
تصویب نمیفرمایند با این ترتیب که پیش
میرویم بالاخره منتهی میشود بصل
شیروانی - میخواستند بودجه را اول
سال بیاورند
طهرانی - بنابر این بهتر این است
مذاکرات در کلیات را کافی بدانند و داخل
در مواد بشویم
هر اعتراضی که در هر ماده هست در
آن مذاکره بشود
بعضی از نمایندگان - صحیح است
بعضی دیگر - صحیح نیست
رئیس- آقای د در با کلیات مذاکرات
مخالفند؟
داور - بلی بنده مخالفم برای اینکه
مبیین مهم ترین مسائل مسئله بودجه مملکتی
است که ما با یک سهل انگاری در آن
نظر میکنیم
در ممالکی که خیلی از ما پیش ترند و
ترقیاتشان زیادتر است بودجه شان مرتب
است و وقتیکه بودجه مطرح میشود
بنده در خاطر دارم در یکی از ممالک
خارج (جه) چون نمیخواهم وقت آقایان را
باین مسائل صرف کنم ولی گاهی انسان ناچار
میشود
در فرانسه دو صد هفتاد و خورده نطق
در موضوع بودجه شده بود
این اندازه در موضوع بودجه دقت
میکند ولی اینجا در یک بودجه که از
سر تا پایش غلط است
(بعضی نمایندگان صحیح هست) اساسش
غلط است (صحیح است) - تشکیلاتش
غلط است و الان قریب هجده سال است
که هر وقت مجلس هست و بودجه بمجلس
میآید قریب پنج شصت و دو کیسیون بودجه
در آن گفتگو میشود و بالاخره در حدود
همان تشکیلاتیکه حاضر است یک کارهایی
میکند و در آخر سال یا یک بودجه چهار
دیواری یا یک چیز تفصیلی که معلوم نیست
از روی چه قاعده نوشته شده است بمجلس
میآید وقتی هم که بمجلس آمد آقایان
میگویند آخر سال است نباید وقت را تلف
کرد و باید عجله کرد و زود تر رأی
داد
عرض میکنم بالاخره باید یک روزی
این مملکت دارای یک تشکیلات صحیحی
بشود یا خیر؟
آقایان باید بدانند که در موقعیکه
بودجه مطرح است باید این مذاکرات
بشود و در همین بودجه هم باید مذاکرات
کاملی بعمل آید تا کیسیون بودجه این
بودجه را پس بگیرد و از روی یک اساس و
یک تشکیلات صحیحی مجدداً بودجه را
نوشته و بمجلس بیاورند و الا با این ترتیب
با این عجله که در روز است چهار پنج نفر در
آن صحبت کرده اند

یک تمبری الصاق میکنند و فرضاً بجز آن
این یکی از عوائد متفرقه است و از این
قبیل راجع بمسئله نیم عشا و قاف فرمودند
مالیات تازه است... خیر... تازه نیست سابقاً
وزارت علوم و عواید میگردت حالا توسط
مالیه گرفته میشود
یک قسمت راجع بعوائد نظمی فرمودند
عواید نظمی هم مربوط بهمان عشریهائی
است که از اموال مسروقه گرفته میشود
چیز تازه نیست
راجع بعواید معانی است عدلیه فرمودند
که چرا صدویست هزار تومان است. این
مسئله هیچ دلیلی ندارد ممکن است یکسال
سیصد هزار تومان باشد یعنی احکام بیشتر
در عدلیه اجراء شده باشد و یکسال کمتر
شود
این دلیل نمیشود که چون عدلیه هفتصد
هزار تومان مخارج دارد هفتصد هزار تومان
هم عایدی داشته باشد ممکن است یکسال
شصت هزار تومان و یکسال سیصد هزار تومان
عایدیش باشد
یکی هم راجع بتبریر است فرمودند
و این ایراد اساسی آقا بود که چرا با
اینکه دولت و وزارت پست و تلگراف
اطلاع دارند که هنوز مسائل طبع تبر در
ایران موجود نیست (تا انشاء الله مطبوعه
مجلس درست بشود) ترتیبی کرده اند یعنی
بی احتیاطی کرده اند که حالا تبر نداشته
باشند
والیته آقا هم تصدیق میفرمایند این
ایراد است که وزارت پست و تلگراف وارد
است و مربوط بودجه نیست
از آنطرف هم البته تصدیق میفرمایند
که تبرهای ایران در خود مملکت ایران
درست نمیشده است بلکه در اروپا هم در شهرهای
مخصوصی است که تبر بایک ترتیب خاصی
طبع میشود
راجع بمسئله خاک سرخ فرمودند این
قسمت را بنده در جلسه قبل هم عرض کردم
اگر آقا جزو مخالفین دوره چهارم بوده اند
با اینحال یک رأیی داده شد است و البته تا
مدت ده سال رأی داده شده است آن رأی
واجب الاجراء است مگر اینکه برخلاف
موادیکه بجای معین امتیاز داده شده رفتار
شود و الا تا موقعی که آن
امتیاز باقی است حق مشروع او است
راجع بمسئله موسسه رهنی فرمودند
که خلاف شرع است خود بنده هم در
اساس با آقا موافقم ولی گمان میکنم خلاف
شرع نباشد
البته آقای مدرس بهتر میدانند ولی چون
بعنوان حق الحفاظه گرفته میشود خلاف
شرع نیست
راجع بمسئله استهلاك دیون دولتی
فرمودند که آیا آقایانیکه در مجلس متعجب
هستند حساب آنها هم جزو این دیون دولتی
محسوب میشود یا خیر؟ خیر این استهلاك
دیون دولتی مربوط داخله نیست... مربوط
بغارج است که یازده هزار کسری لیره
است که تسعیر میشود و ماهیانه پرداخته

باید عرض کنم؟
بعقیده بنده جایش در همین جا است
اگر از وزارت معارف سؤال کنیم از بند عباس
سؤال کنیم از بند عباس تا بوشهر و تمام
خلیج فارس از اول تا آخر وزارت معارف
چه کرده جواب میگویند بودجه محل
ندارد پس جایش اینجاست که من
بگویم باشکیلات وزارت معارف مخالفم
و همینطور در موضوع وزارت داخله که
اگر سؤال کنیم چرا در بنادر تشکیلات
ندارید میگویند وقتی که بودجه مطرح
بود دیدید برای آجاها محل نداریم چرا
تصویب کردید
اگر کسی میخواست در موضوع تشکیلات
وزارت داخله حرف بزند جایش همان جا
بود
پس این تصدیق قبل از تصورات که
ما رأی بدیم در حالتیکه تصور این را
نکرده ایم
از قرار اطلاعی که من دارم معلمین
مدارس (باز این یک حرفی است که آقایان
تصور میکنند راجع بچلب و تحجیب است)
خدا میداند اینطور نیست بنده شش ماه که
حقوق سنبله معلمین مدارس را هنوز
نداده اند و پس از اینکه من بطور خصوصی
سؤال کردم چرا تا کنون نداده اند گفتند
رئیس کل مالیه گفته است صورت ریز
مدارس را تا بنده ببینم نمیدهم
صورت ریز معلمین را رئیس مالیه
بخواهد تا پول بدهد اما بنده که میخوام
تصویب کنم صورت ریز نمیخواهم
رئیس کل مالیه می خواهد ببیند که
در مرکز و در ولایات چند نفر معلم است و
چه میکنند که آنوقت پول بدهد ولی بنده
که وکیلیم و میخوام رأی بدیم نباید
جزئیات را ببینم و رأی بدیم
اینکه منطبق ندارد علی ای تقدیر
اگر کسی بخواهد در فلان ولایت معلم
پول نداده اند یا فلان مدیر مدرسه پول
نرسیده جایش کجاست؟ قطعاً جایش در
همین جاست
حالا بیائیم راجع بیکی یکی اقدام
عایدات نگاه کنیم آنچه را آقایان راجع
بآوردن اینطور بودجه بمجلس باید بفرمایند
فرمودند راجع بنیم عشا و قاف که آقای
حاج میرزا عابد الوهاب هم فرمودند که املا جای
تصدیق است
باید دید یک ملک چند جا باید مالیات
بدهد؟ آیا کسی که مکی را وقف میکند
تصدیر کرده

میشود
راجع بمخارج انتقاعی و مخارج خالصه
غیر انتقاعی همدان فرمودند بلی این یک
اشتباهی بود که در آن صورتیکه از وزارت
مالیه فرستاده شده بود کرده بودند
چهار صد و پنجاه تومان هم فرمودند همدان
و پانصد تومان و همانطور که فرمودند همدان
خالصه غیر انتقاعی ندارد و این مربوط
بمستقلات آن بوده است و اشتباهاً اینطور
نوشته شده
صورت جزء مخارج انتقاعی را هم
اگر بخواهید در کمیسیون حاضر است ممکن
است آقایان اجازه بفرمایند طبع شود یا
اگر خود آقا بخواهند ممکن است تشریف
بیاورند ملاحظه بفرمایند
رئیس- آقای دست غیب
(اجازه)
دست غیب - در قانون منطقی که ما
بیشترها میخواندیم این طور بود که همیشه
میگفتند تصور قبل از تصدیق است هیچوقت
صاحب عقل کاملی و عقل ناقصی نمیتواند خیال
کند که تصدیق قبل از تصور است این جا
باین ترتیب بودجه آوردن بمجلس بنده
می بینم تصدیق قبل از تصور شده زیرا ما
میخواهیم رأی بدیم بیک چیزی که تصورش
را نکرده ایم و علم بجزئیات آن نداریم
تصور قبل از تصدیق مسلم است ولی
تصدیق قبل از تصور سابقه ندارد یک بودجه
چهار دیواری (باصلاح دوره چهارم)
بمجلس آورده اند که بغیر از اعضاء کمیسیون
بودجه اگر سر تا پای او را دقت بفرمایند
چیزی از آن مفهوم نمیشود چرا ؟ برای
اینکه اینجا یک قلم عایدات دارد و یک قلم
مخارج که معلوم نیست عایداتش چه طور
مرتب شده و مخارجش چه طور
علاوه بر این در موضوع تشکیلات اصلا
وقتیکه یک وکیل بخواهد حرف بزند جایش
در همین جا هست
مثلا اگر وکیل بخواهد بگوید که
تشکیلات وزارت داخله صحیح نیست جا
ندارد اولاً در موقعی که بودجه مطرح است
و اگر جای دیگری آقایان سراغ دارند
بفرمایند تا بنده در آن موقع عرض کنم
بنده تشکیلات وزارت داخله را صحیح
نمیدانم بفرم میخوام بگویم تشکیلات
وزارت معارف صحیح نیست از روی دلیل
و برهان باید بگویند جای این حرف کجا
هست ؟
بعقیده بنده جایش همین جا است اگر
یک وکیل بخواهد بگوید تشکیلات
وزارت معارف صحیح نیست از روی برهان
و منطقی جایش همین جا است برای اینکه
بودجه است که تشکیلات را مرتب
میکند
من باب مثل و نظیر عرض میکنم در بنادر وزارت
معارف چکار کرده ؟ چرا بجائی که در
بندر عباس و بوشهر و عباسی هستند برای

و اوقات وقف یکجا باید مالیات ملک ش را بدهد ، یکجا هم نیم عشر اوقاف را میخوانند از او بگیرند این نیم عشر را کسی باید بدهد؟ متولی پای خودش حساب کند که نیشود بخوانه پای وقت حساب کند شرح جلویش را میگیرد .

این جا از يك ملك دو مالیات مطالبه میکنند و با این ترتیب بهتر این است که بکلی مردم خسران و میراث را ترک کنند

آقا يك مثلی زدنه . برای عایدات متفرقه آیا برای کسی که میخواهد به عایدات رای بدهد يك مثل کافی است؟

مجلس که باید ناظر بجزئیات کار باشد يك مثل از عایدات متفرقه برای آن کافی است ؟

این مثل این معنی است که فرضاً دولت (من باب مثل عرض میکنم این کار را نمیکند) عباي شما را از دوستان بردارد و بگوید این از عایدات متفرقه است باید عایدات متفرقه معلوم شود در تحت چه عنوان کلی اخذ میشود يك مثل کافی نیست که مجلس آن را تصویب کند همین طور تشکیلات وزارت عدلیه بنده در دوره چهارم عرض کردم حالا هم عرض میکنم بنده در تشکیلات وزارت عدلیه حرف دارم و تشکیلات عدلیه را صحیح نمیدانم البته وزارت جلیله عدلیه جغرافیای مملکت را میداند ولی وقتی که بغلیخ فارس نگاه کنیم می بینیم در تمام خلیج فارس يك محکمه نیست در بندر لنگه و بندر عباس محکمه نیست عباسی و سایر بنادر محکمه ندارد

پس اگر کسی برای ده تومان بخواهد تنظیم کند چاره ندارد جز اینکه بحکومت مراجعه کند آ وقت بنده که یک نفر وکیل هستم بشت تریبون می آیم میگویم چرا محکومت در امور حقوقی مداخله کرده جواب میدهند چون از طرف عدلیه محکمه نبوده است حکومت رسیدگی کرده اینهم تشکیلات وزارت عدلیه

همینطور تشکیلات وزارت داخله در دوره چهارم هم عرض کردم وزارت داخله هفت هشت قلم را انداخته وقتی هم می گوئیم چرا چنین شده می گویند بودجه ندارد

بلی نماینده پیشنهاد اضافه خرج نمی تواند بکند بنده هم چون افتخار عضویت کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی را دارم نظامنامه را کاپلاً برمی و مسمیع خود دارم بلی وکیل نمیتواند پیشنهاد اضافه مخرج بنماید ولی میتواند بوزارت داخله بگوید که چرا برای لاری فسا ،

دراز حاکم معین نکرد اید ؟ چرا نظمی ندارد

بلی نمیتواند بگوید ده تومان اضافه حقوق بفلان حاکم یا رئیس نظمی بدهد ولی میتواند بگوید لاری و قشم حاکمش کجاست؟

وقتی که سؤال می شود چرا اسمی از حکم عباسی و بوشهر و فلان و فلان برده نشده میگویند بودجه ندارد .

این یک قسمت راجع به فرمایش آقای داغغانی در خصوص اشل که دیروز فرمودند و درست هم فرمودند آقای مخبر جواب ندادند درست است راجع باشل حد اقل واکثری تصور کرده اند

اما آقایان اعضای کمیسیون بودجه آمده اند فکر کرده اند که ممکن است کسر بودجه بیاوریم لذا حد اقل اشل را معین کرده اند و بسیار خوب فرضاً سی تومان هم برای اشل معین نمیکردند و بیست تومان معین میکردند برای اینکه کسر بودجه بیاورند کسی حرفی نداشت

ولی آقایان دوست دقت بفرمایند وقتی که میباید يك مأموری میگویند اگر تودزدی کردی و فی الجمله رشوه از کسی گرفتی محکومی و تا ابد حق استخدام دولت چطور زنده گانی کند؟

چطور میشود با ماهی سی تومان آنهم بنابین تهمیلاتی که از هر طرف بستمیستد معین میشود زند گانی کنند؟

نمایند هم که نمیتواند زیادی پیشنهاد کند .

بسیار خوب وقتی که شما این سی تومان را برای يك نفر مستخدم معین کردید مثل اینست که او را وادار کنید بتجاوز کردن از حدود خود .

من باب مثال عرض میکنم بیکوقت از آقایان وزراء سؤال کردم فلان حاکم را چرا حقوق نداد اید؟ گفت بودجه ندارد گفتن پس چه میکنید؟ در ضمن کلامش گفت خودش حاضر است .

در اینصورت معلومست این شخصی چه میکند پس بنابراین بنده با این ترتیبش هم مخالفم و عقیده ام اینست با این ترتیب با این بودجه گنگ که نه از ستون مخرج ونه از ستون عایدات آن چیزی همیده میشود مخصوصاً با این ترتیب که اشل مستخدمین هم کم است نمیشود رای داد

وزیر مالیه - آقای دست غیب فرمودند تصدیق بالاتصور نباید کرد . بنده هم تصدیق دارم ولی خواهش دارم از آقایان که تصور بفرمایند حال امروزی را و با تالی که مادر خصوص کار بودجه و ادارات و مخرجی که باید بشود و عایداتی که دولت باید برای آن مخرج تحصیل کند دارم .

این مسلم و معزز است که مجلس

شورای ملی در هر مملکتی صاحب اختیار مالیه آن مملکت است یعنی هم عایدات باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد و هم مخرج منوط برای مجلس شورای ملی است .

در اینصورت لازم نیست که مادر این قسمت بحث میکنیم یا اینکه آقایان در این خصوص اصرار میکنند این امری است محقق و منکر هم ندارد .

ولیکن این را باید در نظر داشته باشند این که مخالفت میفرمایند با این بودجه و اصرار میکنند که این در باب باید مذاکرات زیاد بشود اینجا کاملاً نقضی عرض خودشان است با این معنی که حالا به جهت و هر مبلغی که بوده است (البته خیلی هم بد بوده خیلی هم بد شده است) امسال در موقع خودش بودجه مجلس نیامده و بنده سابق بر این هم عرض کردم که باید بودجه هر سال قبل تقدیم شود و اگر غیر از این بود متصورم آقایان و مقصود مجلس شورای ملی (یعنی آن مقصود صحیحی که دارند حق هم هست) بعمل نخواهد آمد .

در سال گذشته مجلس شورای ملی منتهی نبود بنابراین نتوانست این وظیفه خودش را انجام بدهد .

لهذا دولت و مجلس مجبور شدند که بودجه را بعد از تمامه مجلس که در این سال واقع شد بیاورند .

حالا در اینصورت چه طور مجلس شورای ملی میتواند اعمال نظر و نظارت نسبت بمخرج مملکت آنطوری که میفرمایند و باید هم همانطور باشد بکنند؟

زیرا که مثلاً آقای داور که اعتراض کردند خوب میدانند و همانطور که فرمودند در کلیات يك بودجه چند صد نطق شد ولی خوب چند صد نطق که در عرض يك روز دوروز ممکن نیست پس افلا عرض چنه ماه باید بشود .

البته مذاکره در بودجه چند ماه لازم دارد و بنده هم تصدیق دارم ولی این بودجه که امسال آمده است بمجلس شما چند ماه که وقت ندارید در آن مذاکره و اعمال نظر کنید و اگر بخواهید زیاد مذاکره کنید نتیجه این میشود که تا آخر سال گرفتار این بودجه هستید و همین جاست که عرض میکنم تصور بکنید بعد تصدیق بفرمایند .

آقا سید یعقوب - صحیح است چون در فرانسه هم زیاد مذاکره شده . . .

شیروانی - این بودجه نیست . . . وزیر مالیه - البته مخرجی هم که دولت میکند برای ادارات است و این اداراتی که الان دائر است نمی شود درش را بست .

شیروانی - باید بست

وزیر مالیه - خوب این هم یک مسئله است الان قیام و قعود بکنید تکلیف دولت هم معلوم میشود ولی آقای شیروانی که میفرمایند خودشان میدانند که اینطور نیست .

اگر میفرمایند اینطور باشد و در ب ادارات بسته شود بنده هم حرفی ندارم برای

رای مجلس شورای ملی است .

اما این مخرجی که برای دولت پیش میآید بعد از تاخیر واقع میشود و سال تمام میشود و هیچ نتیجه هم گرفته نمی شود جز اینکه مجلس شورای ملی و دولت با هم میمانند از اینکه اقلاً امسال که نشد این وظیفه را انجام دهند سال آینده هم موفق نخواهند شد . چرا ؟ بجهت این که آخر سال رسیده .

فرضاً که تا آخر سال هم بودجه بآن ترتیبی که میفرمایند رای داده باشد آنوقت باز سال نو باید داخل شویم در بودجه سال نو .

بنده همه اینها را بطریق احسن و جوی میگیریم فرض کنیم که روز اول جمع بودجه آمدید مجلس شورای ملی ابتداء میرود کمیسیون بودجه و البته هم باید برود و از این بودجه هم باید تقدیم شود و اگر غیر کمیسیون هم که بعجله نباید کار کنند البته باید يك مدتی مطالعه کند و حق کمیسیون هست که چند ماهه اگر باشد در آن مطالعه شود بعد باید در مجلس شورای ملی و مجلس شورای ملی هم چند ماهه باید درش مذاکره کند .

با این ترتیب آن مقصود اصلی تان حاصل نمیشود جز اینکه يك مذاکره زیاد شده است و هی ناله و شکایت کرده اند که چرا اینطور شده و چرا ادا شد گذراندن بودجه نمیشویم و حالا بنده راجع بان تست نمیخواهم زیاد صحبت کرده باشم و مطالب را زیاد طولانی کنم این يك قسمت .

قسمت دیگر هم که میخواهم عرض کنم این است که فرمایشات آقای دست غیب فرمایشاتی که سایرین فرمودند بنده می بینم دو چیز متضاد است .

یکی این است که آقایان حتی الامکان از تصویب عایدات میخواهند خود داری و امتناع بکنند و یکی اینکه در هر موردی که پیش میآید آقایان مخرج را کم میکنند مثلاً کمیسیون فلان و فلان بجای فلان فلان و فلان حاکم ندارد .

بلی صحیح است اما اگر اینکارها را بخواهیم بکنیم خرج دارد .

این مملکت را بالاخره آنروز بکنید شما بخواهید دارای يك عدلیه قانونی بکنید (که بنده هم از اشخاصی هستم که منتهای آمال و آرزوی من این است و وجود عدلیه صحیح قانونی را اول شرط حیات مملکت میدانم و ناهله به نباشد نمیشود گفت این مملکت اداره دارد و مردم را اداره میکنند که خرج دارد و تصور میکنید بشخصه هزار و هفتصد هزار تومان عدلیه درست می شود ؟

خیر و همینطور سایر چیزها البته این قبیل کارها مخرج دارد از يك طرف میخواهد این مخرج بشود از طرف دیگر میخواهد مالیات گرفته نشود .

ولی بنده هم تصدیق دارم این مملکت که حالا از مردمش بیست و دو میلیون مالیات میگیرد نمیشود بیکمربته صد میلیون گرفت باید بتدریج پیشرفت تا اینکه قوه مملکت و مردم انشالله زیاد شود آنوقت البته دولت هم این بار را بردوش مردم زیاد میکنند یعنی بار نیست قوه عملش را هم دارند .

چه کنیم نمیتوانیم در یک مدت قلیلی عایدات مملکت را بجائی برسانیم که آن مقاصدیکه در نظر داریم بعمل بیاید و حوائجی هم که در قسمت عدلیه و حکومتها و غیره داریم تأمین شود و همین عایداتی که حالا فرض میکنیم خوب نیست و غلط است و اساس صحیحی ندارد .

اینها يك چیزهایی است که اکثر آنها از قدیم الا ایام و بعضی بجهت در این سنوات اخیر در مملکت جریان پیدا کرده است و اگر بخواهید رای بدهید که این عایدات را ما بگیریم آنوقت بفرمایند چه خواهیم کرد ؟

مالیات يك چیز نیست که شما بتوانید فوراً ایجاد کنید يك مالیات صحیح بی عیب عادلانه که هم مجلس شورای ملی رای داده باشد و هم اسباب اجراء آن را دولت فراهم کرده باشد امسال که وجود پیدا نخواهد کرد سال آینده هم درست نخواهد شد .

بنده نمیخواهم گول بزنم و نباید هم خودمان را گول بزنیم وضع مالیات یکی از مشکلترین کارهای دنیاست .

مالیات صحیح وضع کردن و اخذ آن کار آسانی نیست و بایکه آقایان پشت این تریبون نطق بکنند و شکایت بکنند درست نمی شود .

ولی البته باید این حرفها هم زده شود و در صدد اصلاح هم بود . اما باید دانست که مالیات يك درد است .

شیرانی - در ایران .

وزیر مالیه - و يك دردی هم هست که باید کشید و چاره هم ندارد در هیچ جای دنیا راه دیگری پیدا نکرده اند و از برای اداره کردن مملکت راه دیگری پیدا نکرده اند الا به چیز .

یکی فرض است و البته فرض را هم که همیشه نمیشود کرد و البته نباید هم کرد .

یکی هم مالیات است . یکی آن چیز است که اینجا خرج انتقاعی میگویند یعنی مثل کسب از او عایدی پیدا میکنند .

در اینجا هم مسئله را پیدا کرده اند و عمل هم میکنند .

عرض کردم فرض راحتی الامکان نباید کرد . باقی مانده مالیات و قسمت کسب که دولت کار بکند و برای مخرج عایدی پیدا کنند و تا کتون هم ممکن نشده که دولتی

تواند عایدی خود را منحصر بیکى از این سه رشته کند و از این سه رشته بهتر همان مالیات است ولى كسب هم باید کرد .

مثلا دولت ایران که كسب میکند این است که يك خالصه دارد در آن زراعت میکند و یا خرج يك اداراتی میکند که در مقابلش يك نفعی میرود .

در حقیقت مثل سایر مردم سرمایه میخواهد .

اما عرض کردم این راه راه خوبی نیست و دولت نمیتواند منحصراً از این راه عایدی داشته باشد . و این قسمت هم بتجربه رسیده است که دولتها خوب كسب نمیکند . نه تنها دولت ما خوب كسب نمیکند سایر دولتها هم باینکه کارهایشان منظم تر و بهتر از ما است آنها هم همینطورند ولی تا اندازه از راه ناچاری باید کرد بالاخره باقی میماند مالیات .

مالیات راهم نمیشود از مردم نگرفت باید گرفت ولى باید سستی کرد که عادلانه باشد و حتی الامکان مردم یکسان باشند .

مالیاتهای ما هم عیب دارد . هیچکس نمیگوید عیب ندارد .

بنده هم تصدیق دارم . کسی منکر نیست اما باید دید اصلاح آن بجهت نحو می شود .

اصلاحش با این لواجیحی است که مجلس آمده و باید درش مطالعه و مباحثه کنند و البته در يك روز و يك هفته و يك ماه نمیتوانند اینکار را بکنند مدت لازم دارد چنانچه ملاحظه فرمودید لایحه میزبی در دوره چهارم بمجلس آمده و تا آخر دوره چهارم تمام نشد .

در این دوره هم با این مجلس آمده و حالا هم با این زودیها تمام نخواهد شد .

و اینکه عرض میکنم تمام نخواهد شد . مقصود ایراد بر مجلس نیست مجلس هر قدر هم سعی بکنند قانون میزبی را که اساس مالیات مملکت را منظم میکند نمیتوانند در وجه از جهت مخرج که بعضی خلاف قانونها عرض بیست روز تمام کند و رای بدهد و باید مطالعه شود مادامی هم که مطالعه نشده و تمام نشده و مجلس رای نداده است نمیشود گفت مالیات مستقیم را بگیرند و امسال و سال دیگر ادارات مملکت را بخواهیم با این دلایلی که عرض کردم این فرمایشاتی که فرمودید اساساً صحیح است بنده هم منکر نیستم . یعنی هیچکس منکر نیست .

اما امروز موقع ندارد یعنی با این فرمایشاتی که میفرمایند که مالیات را نباید گرفت . یا آن خرج را نباید کرد یا آن اداره را باید درست نمیشود ترتیب اثر داد .

پس چرا بدون جهت بغود زحمت بدهیم .

این بودجه امسال با این طریق بگذرانید

که از این گرفتاری امروزه خلاص شوید و چون امروز برج عقب تمام شده . این ادارات هم کار کرده اند البته حقوق لازم دارند و بدون تصویب مجلس شورای ملی هم حقوق نباید بدهیم و نخواهیم داد برج قوس هم تمام خواهد شد جدی هم تمام خواهد شد .

این ادارات چه باید بکنند؟ عرض کردم امساله بمقصدتان نخواهید رسید . سال آینده هم (باز گول نمیخواهیم بزنیم) سال آینده هم بوظایف خودتان تماماً نمیتوانید عمل کنید .

زیرا وقت ندارید بودجه سال آینده را باید امسال تمام کنید و امسال هم که آن اندازه مجال نداریم که کاملاً اعمال نظر بکنیم بنابراین تصور میکنم که خیلی زیاد لازم نیست در این موضوع مذاکره شود .

رئیس - آقای مفتی (اجازه)

صدرالعلماء مفتی - مخالفت بنده راجع باسناد بودجه نیست و مقصود بنده ضمناً تنقید از عملیات کمیسیون بودجه نیست .

زیرا الحق همچنانکه مخبر محترم در ضمن این راپورت توضیح دادند تقریباً هشت ماهست کمیسیون بودجه در انجام وظیفه خود بهر نحو که مقدور بود نهایت جد و جهد را بعمل آورده و بالاخره چون یقین حاصل کرد باین که امساله بودجه تفصیلی را که مجلس شورای ملی بخواهد کاملاً از اقلام ریز آن مستحضر و مطلع شود ممکن نیست که بمجلس تقدیم شود ناچار این بودجه اعتباری و درست را از دولت قبول کرد و راپورتش را تقدیم مجلس نمود و بنده نظر بوظایف مقدسه که مجلس شورای ملی مطابق اصل مشروطیت عهددار انجام آنهاست .

نظر باعتبار اضافات و دلایل زیاد آقایان مخالفین با این راپورت که بعقیده بنده اکثر اعتراضات آنها قابل توجه است و بموجب يك رشته اطلاعات خودم چه از جهت عایدات و چه از جهت مخرج که بعضی خلاف قانونها در بودجه هست آنچه را که در نظرم باشد بعرض آقایان میرسانم .

با این طرز بودجه و با این بودجه اعتباری درستی بطور اجمال که تا کتون از تحت نظریات و اراده اشخاص بیرون نیامده و صورت تشکیلات قانونی بخود نگرفته بدون هیچگونه نظارت و رسیدگی در جزئیات آن از طرف مجلس شورای ملی تصویب بشود بکلی مخالفم و تصویب این طرز زوری را خارج از وظیفه مجلس شورای ملی میدانم .

چرا بواسطه اینکه اگر بدقت مجموعه قانون اساسی و انتخابات را ملاحظه کنیم میبینیم نمایندگان مجلس شورای ملی سه اصل کلی را عهددار هستند و مقصود اصلی از تشکیلات مجلس شورای ملی انجام همین

سه اصل است .

یکی تشخیص مصالح و منافع عمومی و احتیاجات ضروری مملکت بر حسب مقتضیات هر دوره .

یکی قانون گذاری مطابق تشخیص اقتضای وضعیت مملکت و یکی دیگر که خیلی عهد تراست امانت و حق گذار است که باید همیشه کاملاً مراقبت نمایند که عهد دار آن اجراء قوانین مملکتی از روی ترتیب قوانین مصوبه را بوقوع اجراء بگذارند و هر گاه این اصول سه گانه محفوظ بماند و مجلس شورای ملی بانجام سه وظیفه مهم موفق میشود هم اصول مشروطیت محفوظ بماند و هم مملکت بطرف سعادت میرود .

عقیده شخص بنده اینست که باطمینان باینکه مجلس شورای ملی کاملاً بانجام این وظایف موفق میشود و مانع و راهی در جلو نخواهد بود .

نمایندگان محترم ملت حق دارند برای رفع احتیاجات این مملکت بهر اسم و رسمی باشد خواه مالیات تصاعدی اسم بگذارند یا غیر آن با اندازه قدرت و توانائی مردم مالیات بر مردم تحصیل کنند .

ملت ایران را حصول اطمینان باینکه مجلس شورای ملی بانجام وظایف خود موفق میشود از دادن هیچگونه مالیاتی استثنائی نخواهد کرد .

اگر حالا استثنائی دارند بواسطه اینست که نمایندگان عایداتی که بدوالت میدهند بچه مصرفی میرسد .

خلاصه یکی از مسائل مهمه مملکتی که حیات مملکت بسته بوجود آنتست مسئله بودجه است و وظیفه مجلس شورای ملی است که کاملاً رسیدگی بقسمت جمع و خرج آن کرده و از هر قلمی که خلاف قانون باشد جلوگیری نمایند .

اگر بهمین طرز اجمال و ابهام این لایحه را تصویب کنند در حکم تصویب خلاف قانونها و بی اعتدالها خواهد بود .

بالاخره برای مسئولین اجراء در اخذ خلاف قانونها استند و مدرک میشود و میگویند مجلس شورای ملی در ضمن بودجه کل رای بابت جزئیات هم داده است .

بلاوه اگر این ترتیب سابقه پیدا کند بالاخره سلب حق نظارت و رسیدگی از مجلس شورای ملی میشود و بهمین ترتیب نظریات اشخاص حاکم خواهد بود .

بنده اطمینان میدهم نظریاتی که امساله مانع از تقدیم بودجه تفصیلی شده برای سال آینده هم موجود خواهد بود و هرگز بودجه ترتیبی بمجلس نخواهد آمد و متأسفانه ما باید در مواردی هم که در تحت اختیار مجلس شورای ملی است همیشه در انتظار اصلاحات آتیه باشیم .

در صورتیکه آتیه هم مثل امروز است

و این زودی وسایل اصلاحاتی برای امر تب
نمیشود و
و اینکه عرض کردم در قسمت جمع و خرج
بی اعتباریهاست اما در قسمت عایدات
علاوه بر اینکه در رسوم نواقل و عوارض
بلدی و باج گیری راهها و تعدید تریاک
خیلی اجحافات مردم میشود و بعضی از
آقایان محترم کاملاً توضیح دادند باز در
کردستان ما انواع و اقسام مختلف پولهای
ناحسابی از مردم میگیرند
از جمله از یک مال التجاره مهم در سقزو
با نه از اول حمل هدهالسنه باینطرف با اسم
هشر سنگلها صدهفده و نیم میگیرند در
صورتیکه حق ندارند در آنجا صدهفده و
نیم بگیرند و امدهش راهم تغییر نمیدهند و
میگویند صدهفده و نیم بعنوان عشر از عایدات
سنگلها باید گرفته شود
حالا اگر امدهش راهم تغییر میدادند
باز خوب بود ولی با اسم همان عشر از
عایدات جنگل این مالیات را میگیرند
و از جمله در دو سال قبل
یک حکم عمومی بنمره نه هزار و شصت و یک
از وزارت مالیه صادر شد و در اکثر نقاط
ایران این متداول است بموقع اجرا گذاشته
شده و بدعوات مغرورانه تخفیف داده شده و
با وجود این که خرابی کردستان بیش از سایر
نقاط بوده باز هیچگونه تخفیفی در مالیات
بمالکین آنجا نداده اند و اصل و فرع بقایای
مالیاتی را حاکم از آنها گرفته اند سهل است
تخفیفی بآنها نداده اند
امساله در سقزو یک مالیات دیگری
بعنوان فوق العاده بر مردم تحمیل کرده اند
و از هر مالکی تفاوت دو تومان و چهار تومان
بشمار گرفته و قبوض چاپی بآن ها
داده اند
از جمله از یک نفر مالک خلیل خان نام
که دارای سه چهار پارچه قریب است با این
که تمام مالیات خود را پرداخته و مفاصحا
حساب را گرفته است مامور سرش کرده
اند و چهل تومان از او گرفته اند و قبض چاپی
هم داده اند و یک شرح مفصلی بوزارت مالیه
تظلم کرده و یک شرحی هم بنده نوشته است
که بوزارت مالیه این تظلم نامه را برسانند
و اینست که حال قرائت میکند
حالا بعهده الله تمام مالیات را اصل و
فرع و بقایا رسانیدم و یک دینار در پایم
نمانده است
نهایت بسلامت گندی و دناش الوجه
بدون این که یک شب مامور در سر مالیات
توقف نماید
چهل تومان فوق العاده یعنی فوق -
الطافه از بنده گرفته اند و قبل از اینکه جن
مالیات بکنند فوق العاده را حواله کرده
اند و حالا که یک دینار بقایا و مالیات در
دو بنده نمانده است باز یک قبض بلند بالا
نوشته و روانه میکنند بول میخوانند و تفاوت
از هر آقایانی چهار تو مان و پنج تومان می

گیرند و حالا قبوض فوق العاده حاضر است
و هر گاه ملاحظه قبوضات فوق العاده را
دارید اظهار فرموده توسط خدمت بفرستم
مستعین حکم سخت صادر فرمائید که
پول بی جهت فوق العاده را رد نمایند
خدا قبول نمیکنند مأمورین مالیه عالی
را خورندند
ملاحظه فرمائید این ترتیب با مردم
معامله می کنند در رد یک ولایت خرابی مثل
کردستان هیچ تخفیف مالیاتی بآنها نداده
اند و بقایای آنها را هم میگیرند و باضافه
یک مالیاتی هم با اسم مالیات فوق العاده
در یافت میکنند
که اگر حساب بکنیم از هر آقای پنج
تومان و ده تومان میگیرد
در سقزو با نه در سال انلا بنده هزار
تومان می رسد و مهذا خیلی از مالیاتهای دوره
سید ضیاءالدین از قبیل مالیات غیر مستقیم
تا کنون در کردستان یافت و میگیرند و هنوز
منسوخ نشده است
بنده عرض می کنم اگر میخواهند تصویب
بکنند باید یکی یکی رأی بجزئیات آن
بدهید
باید ببینیم که اگر این جور عایدات
بجساب دولت هم می آید و این عایدات مرکب
از این جزئیات هست پس این عایدات
بطور کلی نمیشود از تصویب مجلس شورای
ملی بگذرد
اگر بجساب دولت نمی آید و بجهت و
کیسه فروری و وظیفه مجلس شورای
ملی اینست که هر طوری که مقتضی می
داند جلو گیری کند که عایدات بنده جل صرف
هوی و هوس یک عده نشود و باید هر چه
زودتر این مالیاتها را از بین بردارد و یک
قانون مالیاتی دیگر جای آن بگذارند که
عملی باشد و اجرا شود
اما در قسمت خرج بطوری که آقایان
توضیح دادند قانون استخدام دروزارتخانه
ها کاملاً بموقع اجرا گذارده نشده است
و سه سال است از تصویب قانون استخدام
گذشته است
اگر مانع اجرای این قانون نظریات
اشخاص است چرا جلو گیری از نظریات
اشخاص نمیشود و علاوه بر این بنده خودم
شخصاً تشکیلات وزارت مالیه را خیلی
بیشتر از حد ضرورت و احتیاجات امروزه این
مملکت میدانم
البته تشکیلات و تاسیسات ادارات
وزارتخانه های مملکتی باید مطابق
با عایدات آن مملکت باشد ولی در مملکت
ما صدی سی از عایدات بمصارف این مالیه
میرسد در صورتی که در سایر ممالک از
قراری که بنده اطلاع پیدا کرده و شنیده ام
صدی پنج و صدی ده برای جمع آوری عایدات
لازم است
عملیات عهده مالیه عبارتست از یک

شده تعویبنداری و یک رشته تعویبنداری و
یک رشته هم ترجمه که حالا دائر شده است
بعقیده بنده این عملیات را بکثر از این
بودجه هم میشود اداره کرد و ارزش سه
میلیون بودجه را ندارد
از آنطرف میبینم در مسائل قضائی
معارف - صحیه - ناندازه تضییع شده هست
در صورتی که آنها بیشتر هم طرف احتیاجات
ایرانست که بواسطه نبودن تشکیلات قضائی
مردم امنیت حقوقی ندارد و کرور ها حقوق
مردم تضییع میشود و بواسطه نداشتن معارف
ملت ایران صدی نود نفر بیسواد هستند
شهر وانی - نود و نه نفر
هفتی - و بواسطه عدم وسائل حفظ
الصحه شاید در سال صدیک از ملت ایران به
امراض مهلکه تلف میشوند
پس بعقیده بنده اگر در تشکیلات
مالیه از تجملات و تکلفات غیر از قسمتهای
ضروری صرف نظر بکنند و از همین محل
بمعارف و صحیه و تشکیلات قضائی مملکت
اضافه کنند البته بهتر و مناسب تر خواهد
بود
بعلاوه در تقسیم بودجه وزارتخانه ها
در بین مرکز و ایالات و ولایات بهیچوجه
رعایت تعادل و تناسب نشده است زیرا اراده
اشخاص در تقسیمات بودجه حاکم بوده
است و ابتدا رعایت تناسب را نکرده اند
در صورتی که مطابق قانون اساسی و
اصول مشروطیت تمام ملت ایران متساوی
الحقوق هستند و هیچ فردی از افراد این
مملکت از حیث ایرانیت تفوق و رجحانی بر
فرد دیگر ندارند و تمام متساوی الحقوق
هستند
این مالیاتی هم که از مردم گرفته می
شود باید متناسب عایدات و متناسب نفوس
مجدداً بخود ملت ایران بتساوی بر گردد
و باید عموماً بطور تساوی از خزانه دولت
استفاده کنند
بنده می بینم بهیچوجه رعایت تعادل
و تناسب نشده است و از روی اراده اشخاص
قسمت بعضی جاهار خیلی زیاد معین کرده
اند و خیلی جاهای دیگر را بکلی معروم
کرده اند
از جمله دو میلیون و یکصد هزار تومان
بودجه معارف شصت و بیست هزار تومان
بودجه عدلیه تقریباً در سال سی هزار تومان
قسمت کردستان است
و صورتی که کردستان با این حالت
خرابی که دارد تقریباً در سال یک کرور
عایدات با کمال اطاعت بصندوق دولت
وارد میکند
در این صورت در سال سی هزار تومان
بودجه برای آنجا معین کرده اند بواسطه
قلت بودجه سقزو با نه و خور خور تیلگو
که اینها حدود سرحدی هستند و اکثر
عایدات کردستان را این چهار حد و تشکیل
مدهند و تقریباً دارای صد و پنجاه هزار

نفوس است
هنوز نظمی و عدلیه و صحیه و معارف
و مدرسه ندارد
حتی بازار سقزو مستغفرو عسقوز
هم نه اردو یک سال است کسبه و تجار مجبور
شده اند
از خودشان عده رامعین میکنند
گمان نمیکنم در هیچ نقطه دنیا امروز این
ترتیب دایر باشد و این انصاف نیست که
کرور از کردستان بگیرند و به صرف نظریه
و امنیه جاهای دیگر برسانند
بنده نشنیده ام که در هیچ
جای دنیا بازاری باشد که از طرف خود
تجار و کسبه نگاهداری کنند و افلاکند
بازار را نمی کنند یک سال است که اهالی سقزو
بوزارت داخله و دولت تلگراف میکنند
که پنجاه تومان مقرر شود برای عس و گشت
بازار این مبلغ خرجی راهم مضایقه میکند
و پنجاه تومان را مقرر نمیکند
بنده هیچ فلسفه و حکمتی نمی بینم برای
اینکه فقط نسبت با اهالی کردستان این
تبعیض و ظلم شود و از عایدات یک کروری
که بدولت میدهند
این طور استفاده بکنند که خودشان
کشیک بازار و خانه خودشان را بدهند و
استحقاق بازارشان بعهده خودشان باشد
در صورتی که آقایان میدانند که ملک
کردستان فطرتاً و جبلتاً ایرانی و ایرانی
خواه هستند
جمعی از نمایندگان - صبح
هفتی - همیشه حاضر برای خدمت
گذاری بدولت ایران بود و هستند حتی در
ایام فترت هم که مامور دولتی بکردستان
رفته است خود ملت کردستان طالب بود
اند که عایداتی که متعلق بدولت بوده است
با کمال رغبت تسلیم کنند و با این ترتیب
همیشه در تحت فشار همسایهها منظور یک
خود آقایان میدانند بوده است و همیشه
حملات همسایه متوجه بکردستان میشد و تحت
فشارهای سخت همسایه ها فقط با حسن ایرانی
خواهی در مقابل قوای فکری و عملی آنها
مقاومت کرده است و هیچگونه اظهاریه
نموده اند (صحیح است)
پس البته تصدیق میفرمائید که نسبت
به این ملت مطیع و با شرافت البته باید بیشتر
از این باید قدر دانی شود
صد و پنجاه هزار نفوس انصاف نیست
که از خزانه دولت هیچ استفاده نکنند
نه نظمی و نه صحیه و نه عدلیه و نه صلح
داشته باشند و حتی کشیک بازارشان را هم
خودشان بدهند
بعقیده بنده این انصاف نیست
اصلاح این امور را بنده از وظایف مجلس
شورای ملی میدانم
و البته باید مجلس شورای ملی رسیدگی
کند و بدولت در این خصوص تذکر بدهد

این بود هر ایش بنده و عجلتاً عرض دیگری
ندارم
وزیر مالیه - فرمایشات آقای هفتی
تماماً صحیح است همینطور که آقایان
تصدیق فرمودند بنده هم تصدیق میکنم
ولی يك مقدار از اینها را سابقاً
جواب عرض کرده ام و دیگر تکرار نمیکنم
باینکه اگر حالا دیگر این عایدات و مالیاتها
را بگیریم چه میشود و نسبت بکردستان و اهالی
کردستان آنچه که فرمودند بنده هم از
طرف دولت تصدیق میکنم
و البته همینطور هم هست که بفرمائید
حواج کردستان هم مثل حواج سایر
ولایات دیگر منظور که منظور نظراست
بر آورده شود
ولی بنده می بینم کم کم آقایان اوضاع
حالیه مملکت و اوضاع سابقش را فراموش
کرده اند و بخاطر نمی آورند دوسه سال
قبل را که این مملکت چه حالی داشت و از
سه سال قبل تا کنون چه تفاوتها پیدا
کرده است و تصور میکنند که ممکن است
در ظرف یکسال دوسال يك مملکتی که
بکلی از هم ریخته بوده است کاملاً اصلاح
شود حواجش تمامی بر آورده شود
آیا در ظرف این سه چهار سال در خط
اصلاح نرفته ایم اگر میگوئید نرفته ایم
خیلی بی انصافی است
حالا شاید اگر مایک مردمانی بودیم
که پیش از این استعداد ولایت داشتیم بیشتر
از این هم پیش نرفته بودیم ولی هر قدر هم
که لیاقت داشتیم ممکن نبود در این مدت
قلیل تمام نواقص خود را اصلاح کرده باشیم
بنده عرض کردم این چیزهای محتاج
البه از قبیل معارف صحیه - عدلیه اینها خرج
زیاد لازم دارد و ممکن نخواهد شد در همه
شهرها معارف قضائی و عدلیه و استیفاف و
صلحیه و معارف ابتدائی داشته باشد والا
بچندین کرور مخارج و همچنین معارف و
صحیه
بعلاوه عرض میکنم تنها پول هم کافی
نیست این راهم آقایان بخاطر داشته باشند
که مدرسه معلم میخواهد - عدلیه قاضی
میخواهد
فرض بفرمائید ده کرور پول هم حاضر
شد از برای اینکه در این مملکت معارف
عدلیه دایر شود آیا دارید یک شخص را
که آن معارف عدلیه را آنطوریکه منظور
نظراست اداره کنند
جمعی از نمایندگان (با همهمه)
بله داریم
وزیر مالیه - معلم هم همینطور است
در هر صورت آنچه که میفرمائید در خصوص
مالیات و آنچه راجع بظلم و تعدی است
(که البته نباید بشود) تصدیق میکنم که
در اخذ مالیات ظلم و تعدی میشود و باید
جلو گیری هم کرد
البته آقایان توجه میدهند مردم را

ما هم مشغول هستیم در رفع آنها و در
جلو گیری از آنهاست که تعدی میکنند
البته این کارها هم لازم با اصلاح است ولی
نمیشود يك مرتبه این نواقص را رفع
کرد
و اینکه می فرمائید قانون استخدام
مجری نیست این را بنده تصدیق ندارم.
قانون استخدام را از یارسال که اول
اجرای آن بود یعنی حمل ۱۳۰۲ دولت
مشغول شده است و با کمال جدیت بموقع
اجرا گذاشته است و در اجرای قانون
استخدام دولت دچهار مشکلات زیادی
شده است
بنده گاهی می بینم آقایان شکایت
میکند از اینکه قانون استخدام اسباب
زحمت شده است و میخواهند تجدید نظری
در آن بکنند و گاهی هم شکایت میکنند که
اجرا نمیشود
بنده عرض میکنم اجرا میشود و
اشکالاتش هم باز برای مجلس اصلاح
خواهد شد و اینطور نیست که می فرمائید
هیچ جا اجرا نشده است
در خصوص کفاف بودن مخارج مالیه
این هم حالا يك موضوعی است که نقل
مجلس شده است و همه میگویند مخارج
مالیه زیاد است بنده هم تصدیق دارم که
مخارج مالیه زیاد است یعنی کلیتاً در
ادارات ما مخارج بیجا زیاد میشود تنها
منحصراً بمالیه نیست
ولی مخارج مالیه صد سی از عایدات این
مملکت نیست عایدات این مملکت و
مخارجش بیست و چهار میلیون است و
مخارج مالیه کمتر از چهار میلیون است
و بر فرض اینکه چهار میلیون هم باشد باز
نسبت بیست و چهار میلیون صد سی
نی شود
صد یا زده میشود بعلاوه مخارج
سنوات گذشته را ملاحظه بفرمائید در
صورتیکه عایدات کمتر هم بوده مخارج
همین اندازه بلکه بیشتر هم بوده است
این مسئله محتاج به تحقیق است
حالا آمدم سر این مسئله که مخارج
زیاد است بلی شاید تصور شود که مالیه
مملکت را میتوان با نصف این مبلغ اداره
کرد
بنده هم شاید این مسئله را تصدیق
بکنم ولی حالا يك مرتبه نمیشود که این کار
را کرد
ملاحظه بفرمائید با این اشخاصی که
در این ادارات کار میکنند چه میتوان
کرد
عده مخارج يك اداره حقوق اعضا
آن اداره است و اگر بخواهیم مخارج
مالیه را تقلیل کنیم یعنی سه میلیون را يك
میلیون کنیم و دو میلیون از آن کم کنیم
از دو حال خارج نیست یا باید حقوق اعضا

را ندهیم یا کم بدهیم یا اینکه آن تشکیلات
را بکلی حذف کنیم
کم کردن حقوق را که گمان نمیکنم
آقایان تصدیق بفرمائید زیرا همانطور که
بعضی از آقایان اظهار فرمودند اگر بنا
شود از همین حقوق مختصری که اعضاء
وزارت خانه ها دارند باز چیزی کسر کنیم
موجب باعث این می شود که اعضاء
آنطور که باید بوظایف خودشان عمل
نکنند پس لازم میآید که از تشکیلات کم
و حذف کنیم
در اینصورت هم چند هزار نفر بی
نان خواهند شد
اگر میفرمائید قطع نان بشود آن
وقت بقول عوام عرض خواهم کرد که نفس
شان از جای گرم در میآید
ما يك عده منتظر بیسن خدمت در
اداراتمان داریم
بواسطه اینکه حقوقی برای آنها
منظور نشده بود دولت و مجلس و آقایان
نمایندگان در زحمتند
خوب در اینصورت چطور میشود که
يك مرتبه چندین هزار نفر از اعضاء وزارت
مالیه کم کرد یا حقوق بآنها ندهد
باید فکر این را هم کرد که این عده
چه خواهند کرد بنده عرض میکنم اساساً
هر اداره در بند و تاسیس و تشکیل مخارجش
خیلی زیاد است
مثلاً ملاحظه بفرمائید اداره گمرک
که یکی از بهترین و منظم ترین ادارات
امروزی مملکت ما است در اوائل امر
یعنی در بیست پنجسال قبل که تاسیس شد
یا اینکه بطریق انتظام و با دست مستخدمین
خارجی اداره شد مملکت صدویست و پنج
الی صدسی نسبت بعوائدش خرج داشت
در صورتیکه امروزه صد یا زده الی صد
دوازده خرج نمیشود
حال آنکه آقایان تصدیق دارند
که يك مؤسسه را از نو بنا کردن و اصلاح
کردن بر مراتب سهل تر است تا یک مؤسسه
ناقص و غیر منظمی را اصلاح کردن چنانچه
احداث بنا در يك زمین بکری خیلی
آسان تر است یا يك بنای خرابی را آباد
و اصلاح کردن
پس در هر کاری در اول امر باید
تعم افشاند و بعد از مدتی نتیجه گرفت و
از آن عوائد برد و همینطور بهر روز هم
مخارج کم میشود وزارت مالیه هم همین
طور است و مخارجش روز بروز کم
می شود
اگر درست ملاحظه کنیم می بینیم که
مخارج وزارت مالیه هم نسبت بسنوات
ماضیه کسر شده است و حالا هم اگر
مخارج مالیه را با عایدات مملکت بسنجید
باز بیشتر از صدی یا زده نمیشود
همه اینها را باید در نظر داشت
باز کر این امرات باز بر میگردد بهمان
اصلی که ابتدا عرض کردم
همه شکایات صحیح است
نواقص هم زیاد است ولیکن این نواقص فوری
اصلاح نخواهد شد
باید فکر کرد دید
راه اصلاح و چاره اساسی چیست
باید راه اساسی را پیدا کرد و از آن طریق
اصلاح نمود و اینهمه باینکه امروزه باین بودجه
رأی ندهید اصلاح نخواهد شد
رئیس - آقای حاج عزالمالک
(اجازه)
حاج عزالمالک - اظهارات بنده
نسبت بودجه از دو نقطه نظر است یکی
از نظر آموالی است که نزدیک بعمل هم هست
یکی هم فقط از نقطه نظر عملی است
اما در قسمت آمال انتظار دارم که دولت
بودجه سنه ۱۳۰۴ را طوری پیشنهاد
نماید که ما اینقدر در مضیقه نباشیم و هیچ
اشکالی هم نسبت به تقدیم
بودجه سال آتی بنظر نمیآید
خود آقایان تصدیق میکنند که این
آمال نزدیک بعمل است قانون محاسبات
عمومی و معدی معین کرده که در آن موعده
باید وزراء بودجه های خودشان را تهیه
کنند
حالا هم موقیست که وزیر مالیه بودجه
ککل مملکتی را بمجلس شورای ملی
بدهد
حالا اگر در این موضوع سؤالی از
آقایان وزراء بشود چنانچه بنده هم سؤال
کردم یا در موقع بودجه تقدیمی در اطراف
آن بشود بیجا است
زیرا علت اینکه بودجه هر وزارتخانه
تا کنون بوزارت مالیه نرسیده و وزارت
مالیه بودجه کل مملکتی را بمجلس نفرستاده
چیز است
زیرا نه وکیل مانع از این خواهد بود
و نه چیزی دیگری از تقدیم بودجه سنه
۱۳۰۴ مملکتی مانع خواهد شد
پس از این نقطه نظر بنده امروز تقاضا
میکند که آقایان وزراء بهتر ترتیبی که خودشان
میدانند بودجه را بفروریت بمجلس شورای
ملی بفرستند
حالا مدرکش را بودجه
امسائه بخواهند بگیرند بگیرند
موضوع را بر روی شکایات و انتظاراتی
که از طرف آقایان نمایندگان اظهار شد
میخواهند قرار دهند بدهند
هر طوره بخواهند بکنند خودشان
میدانند
در هر حال بودجه را باید تقدیم مجلس
کنند
در آن بودجه هم میفرستند بنده هم
در ستون عایدات هم در ستون مخارج يك
نظریاتی دارم که حالا عرض میکنم
نظریات بنده نسبت بعایدات تبدیلی
يك قسمت از مالیاتهای غلط امروزی است
بمالیاتهای قانونی که دولت یکی دوتا از آن

لویج قانونی را فرستاد و مابقی را هم شاید بفرستد.

بسی بعضی از مالیاتهای مأخوذی از روزه گمان نمیکنم محتاج دلیل باشد.

بنده خود در مالیه بوده ام و یک قسمت از عمر خود را در آنجا گذراندم و با ارسال هم برای تفتیش چندین ایالت و ولایت رفتم و بیک قسمت هائی برخورد کردم که با خود عهد کردم و اقامت هر وقت بمجلس رفتم شرحی از چگونگی این مالیاتها و طرز وصول آنها عرض کنم.

در موقعی که برای تفتیش بنده وارد میشوم که مأمورین مالیه ملتفت نشوند که من چه وقت وارد میشوم، صبح زودی بود که وارد شدم دیدم یک ضعیفه فرار میکند و مردی هم او را دنبال و تعقیب مینماید داد زدم بایست - ایستاد - گفتم چه میکنی - گفت میخواهم مالیات جاروب از این شخص بگیرم - گفتم این چه مالیاتی است - گفت اینجا یک عشریه معمول است که هر کس برود بیرون جارویی تهیه کند باید یک مالیاتی بدهد.

این روز هفت هشت جاروب در دستش بود و میخواهد ستاز او مالیات بگیرد.

بعد که بنده متحقیقات کردم دیدم کلانتر یا داروغه شهریه گرفت قرار گذاشته که به ترتیبات مختلف یک مالیات و عوانندی از جاروب بگیرند حالا هم مالیه هین آن را میکشند.

اینکه بنده عرض کردیم از نقطه نظر آرزو برای اینست که بنده حالا نمیتوانم بگیرم این مالیاتها را نگینند زیرا یک مالیات دیگری باید قائم مقام آن بکنند.

ولی بالاخره این قبیل مالیاتها باید برداشته شود زیرا حقیقه حجت آوراست و باید در عرض اینها یک مالیاتهای دیگری که نسبتاً عادلانه تر باشد (از قبیل مالیات بر عایدات یا غیره) وضع شود.

حالا از این قبیل مالیاتهای بدتر یاد است که ذکرش هم اسباب تأثر آقایان نمایندگان خواهد شد.

اما نسبت به قسمتهای مخارج هم بطور کلی بنده انتظار دارم که در بودجه سنه آتی دولت مراعات همه قسمتها را بکنند مخصوصاً یک مراعات بیشتری نسبت به کردستان همانطور که آقای مفتی فرمودند مبذول شود.

دیگر مسئله راهها است حالا که آقای وزیر فوائدها هم تشریف دارند بنده لازم است عرض کنم که یک اهمیت فوق العاده براهها میدهم.

در بودجه باید یک مبلغی برای ساختن راهها تخصیص داده شود گرچه از نقطه نظر بودجه هم وزهم همین تفریق را میشود کرد.

اساساً بنده نظر ندارم که دولت از عوائد راه استفاده کند یعنی آن چیزی را که مردم با سرمایه میپردازند ما آنها را بیآوریم و خرج کنیم باید آن چیزی که از مردم گرفته میشود صرف خودش بشود و امروزه اینطور نیست.

بنده انتظار دارم عایداتی که از راه پیش بینی تحصیل میشود دولت باید صرف خودش کند حالا اگر بگیریم و معتقد شویم که باید یک مالیاتهای دیگری وضع کرد که بعنوان کمک کند و صرف مؤسسات عام المنفعه شود آن یک نظریه خیلی بلندی است.

ولی بهر حال این نظر را نمیتوان فراموش کرد که علاوه بر اینها باید صرف خودش بشود.

دیگر راجع به مسئله صحیه است که حقا آقای امیر اعلم باید یک اظهاراتی بفرمایند.

در این مسئله هم بنده معتقدم که وزارتخانه مربوطه آنقدری که ممکن است باید بصحیه مملکت کمک کند برای این که خیلی از این حیث عقب هستیم.

این عرایض بنده آمالی بود که شاید قریب بعمل باشد و امیدوارم آقایان وزراء تا حدی که ممکن است در بودجه آتی تمام این مراتب و مسائل را مراعات کنند اما نسبت به همین بودجه که فعلاً مطرح و در دست است لازم است عرض کنم که بنده این اوزار را بودجه نمیدانم احتیاج ما را و ادار میگند که در نه ماه از سال گذشته باین اوراق رأی بدهیم ولی این دلیل نمیشود که ما اعتراضات و اعتراضات خودمان را نکنیم.

زیرا این بودجه نیست بلکه یک چیزی است که از روی احتیاج تنظیم شده مثل یک ماده واحده که مثلا بکمیسیون عدلیه اجازه میدهد که چکار کند این هم یک همچو چیزی است که بدولت اجازه میدهد حالا که سه ماه از سال گذشته است یک طوری سر و ته این کار را بهم بیارند و الا این را نمی شود گفت بودجه است.

این ایرادات را بقیه بنده حالا باید کرد تا در سنه آتی دچار اشکال نشویم.

در یکی از مواد قانون محاسبات عمومی تصریح میکنند که وزراء اعتبارات یکساده را نمیتوانند بیک ماده دیگر انتقال دهند و اینجا که مینویسد:

ماده اول - مجلس شورای ملی بودجه (این یک ماده است که میگوید بیست و سه میلیون بگیر و بیست و سه میلیون هم خرج کن) منافات با آن ماده قانون محاسبات عمومی دارد چون برای هر

وزارتخانه یک مواد مخصوص مرتب باید تنظیم کرد.

مثلا بودجه وزارت مسالیه را مواد تقسیم کرد و در تقسیم مواد هم یک نظریاتی قائل شد.

یکوقت ممکن است در ماده اول بنویسند پنج مدیر کل آنوقت وزارت مالیه میل دارد یکیش را اینجا میگذارد یکی را به شیراز و دیگری را به آذربایجان می فرستد یا خیر.

ممکن است تشکیلات را طور دیگر قرار دهند که مثلا طهران چه طور سایر جاها چه طور یا فلانجا تشکیلاتش چه طور باشد.

پس در اینجا اگر حالا مجلس باین ماده رأی بدهد خود آقای مخبر هم باید تصدیق کنند که این آن ماده که قانون محاسبات عمومی میگوید نیست.

اگر سوء تفاهم در اظهارات بنده شده ممکن است خود دولت این سوء تفاهم را برطرف کند.

گذشته از این نسبت به تدوین این بودجه هم بنده نظریه دارم شاید این نظر اساسی نباشد ولی مراعاتش هم ضمناً بی اثر نیست.

در ماده اول که مینویسم مینویسم ماده اول مشتمل بر دو فصل است.

فصل اول عایدات فصل دوم مخارج و این بنظر بنده غلط است.

زیرا چنانچه در همه جا معمول است فصل بالاتر از ماده است و هر فصلی دارای چند ماده است آنوقت چه طور میشود که یک ماده دارای دو فصل باشد؟ پس در طرز تدوین بودجه هم باید اصلاحی بعمل آید.

یکسفر از نمایندگان - قسمت بنویسند.

حاج عز الممالک - اما نسبت به عایدات و مخارج همین بودجه فعلی در این جا از آقایان تنها میکنم قدری دقت بفرمایند زیرا در قسمت عایدات اگر بابت ترتیب فعلی رأی بدهیم ممکن است دچار زحمت و اشکال شویم.

در سایر ممالک هر قسمت مالیات مربوط بیک قانون علیحده است ولی با طرز فعلی اسباب زحمت خواهد شد.

ممکن بود مسائل را از هم تفکیک کنند مثلا بعضی از مالیاتهای که قانون برایش وضع کرده ایم ممکن بود بنویسند بموجب قانون مصوبه فلان وقت حاج عز الممالک - خوب حالا شاید آن چوب را برداشته اید ولی در همین قسمت ره طهران بقره تو ملاحظه کنید در چندجا.

در طهران کنگاور - صحنه - نصر شیرین سرپل - از مردم مالیات قواقل میکشند حالا

هر اندازه از آنها که بکسورت قانونی است ممکن بود تصریح شود تا مجلس شورای ملی متذکر باشد که مثلا این عایدی مربوط بفلان قانون است که در فلان تاریخ از تصویب مجلس گذشته است و دانسته و فهمیده رأی بدهد.

ولی حالا باین ترتیب فعلی اگر رأی بدهیم معلوم نیست فلان عایدی مربوط و مرتبط با کدام قانون و تصویب است و اینطور نسبت به عایداتی که صورت قانونی ندارد و متکی بر یک سابقه یا عایدی مبتنی و متکی بود آنرا قید و تصریح میکردند اینطور که مثلا فلان مالیات یا عایدی مبتنی و متکی بر فلان سابقه یا عایدی بوده است تا اسباب اشکال هم فراهم نکردد.

ولی حالا باین رأی که امروز ما بدهیم فردا هر سؤالی از آقایان وزراء بشود که چرا فلان عایدی و مالیات را گرفتید فوری جواب میدهند که راجع بودجه کل مملکتی است و شامدر ضمن رأی بودجه کل مملکتی وصول و اخذ این مالیاتها هم رأی دادید.

بالاخره این سبب میشود که وزارت مالیه هر عملی را بکنند بر طبق قانون نداند.

پس چنانچه عرض شد خوب بود مالیاتهایی که قانون ندارد و متکی بر یک عمل یا سابقه بوده است معلوم میکردند که معین باشد و در نتیجه نتوانند از آن تجاوز کنند.

مثلا راجع بقانون مستغلات در قانون مستغلات گفته میشود در مرکز شهرهای بزرگ باید از مستغلات مالیات گرفت همینطور راجع به مالیات نواقل در قانون تشریح و اشاره دارد که مالیات نواقل را باید از شهرها و قصبات عمده گرفت و طرز عملش را هم معین کرده است که وزارت داخله یا فلان وزارتخانه دیگر باید نظامنامه سازد و بنویسد ولی اگر حالا باین کیفیت رأی بدهیم آنوقت هیچ معلوم نمیشود مأمورین نواقل که در وسط صحرا یک چوب بلندی افرشته اند و از مردم یک حقی میگیرند این مربوط به چیست؟ زیرا آنجا نه شهر است نه قصبه است نه هیچ.

ولی با وضع حالیه اگر رأی بدهیم آنوقت هر وقت ایراد کنیم و بگوئیم آخر این چوب را از وسط صحرا بردارید و بودن آن برای مال التجاره و مسافر و همه ضرر دارد خواهند گفت این عوائد هم مشمول همان لایحه است که رأی دادید وزیر فوائدها عامه چوب را برداشته ایم بموجب قانون مالیات مستغلات که خوب بود مینویسند بر طبق فلان قانون مصوبه فلان تاریخ مجلس شورای ملی همینطور مالیات دخانیات.

غرض این است در مالیاتهای غیر مستقیم

چه قدر این تجارت ضرر دارد چه عرض کنم.

باید اینها موقوف شود اگر دولت میبندد عایداتش کم میشود باید بمجلس بگوید این مالیاتها را نمیگیریم و بجای آن لویج مالیاتی قانونی پیشنهاد می کنیم.

راجع به مالیات مستغلات باینکه تصریح شده که از مرکز شهرهای بزرگ گرفته میشود مع ذلک مأمور مستغلات توی یک دهه میروند از آنجا مالیات مستغلات میگیرند یا از یک کارونسرا مطالبه مالیات میکنند.

وقتی که اعتراض میشود میگوید من بحکم امین مالیه اینکار را کرده ام وقتی که از امین مالیه سؤال میشود چرا این کار را کردی اظهار میدارد از مقام ما فوق بمن این دستور داده شده است.

وقتی که از مافوق سؤال میکنیم که برای چه این مالیات گرفته میشود میگوید در ضمن بودجه رأی داده اید و حال آنکه در قانون مستغلات مصرح است که از ده نایب مالیات مستغلات گرفت پس اگر تصریح میشد که عوائد مستغلات بموجب قانون مصوبه مجلس.

اگر جایش را نندید چرا این مبلغ را کسر کردید ممکن بود صدهزار یا صد و پنجاه هزار یا بیشتر یا کمتر کسر بفرمائید اگر شما خرجش را میدانستید و این مبلغ را صلاح میدانستید کسر کنید خوب بود دلش را میکشید که ما هم دانسته و از روی دلیل رأی بدهیم و الا یکمرتبه از یک قلم مخارج برای خوش آمد صدوسی هزار تومان کسر کردن بقیه بنده دلیلی ندارد.

باید دید کسر مخارج هر وزارتخانه از کدام محل و چه چیزی زیاد است تا آنوقت مجلس عالماً هماماً از بودجه و مخارج آن وزارتخانه کسر کند والا مخارج انتفاعی یک وزارتخانه آنهم وزارت مالیه که باید خرج کند و انتفاع میبرد از دست قسمت مهم مخارج انتفاعی وزارت مالیه راجع به خالصات است و مخصوصاً امسال بواسطه گاو میری و عدم استقاهات رعیت و لزوم بذکاری کافی باید یک مخارجی بشود تا منافی را متضمن باشد و الا از منافع کسر خواهد شد - اینها یک چیزهایی است که محل احتیاج و در مورد خودش نهایت لزوم را دارد و در صورت کسر دست دولت بسته خواهد شد و در نتیجه نمیتواند یک کار و مخارج ضروری را بکند بنده نمیدانم دولت یا وزیر مالیه بکسر این مخارج قانع شده اند یا خیر؟ اگر قانع شده اند باید خودشان دفاع کنند.

البته این مسئله فلسفه اش این بوده است که اگر پول داریم زیادتر بدهیم و حالا که که نداریم کمتر بدهیم ولی مراعات حال مستخدمین را هم باید کرد.

مستخدمین که چند سال متوالی عادت کرده اند که چهل و دو تومان یا سی و دو تومان

حقوق بگیرند یکمرتبه انصاف نیست از حقوق آنها کسر کنیم.

حالا باز اگر این کسریک تأثیر زیادی در مخارج داشت ممکن بود یک نوعی دفاع و تحمیل کرد باین نحو که می گفتم چون امسال نداریم برای سال آینده جریان میکنیم ولی از نقطه نظر اینکه چهار دیواری را تصدیق میکنم و بهر وزارتخانه حق میدهد که در حدود این مبلغ بودجه خود را نوشته و بمجلس بفرستد دیگر پیشنهاد دولت و کسر کردن از سی و دو تومان دیگر ظلم است.

پیشنهادی در این باب تهیه کرده و در موقع خودش تقدیم خواهم کرد و اگر توضیحاتی لازم باشد عرض خواهم کرد یکی دیگر از عرایض من راجع به مخارج انتفاعی وزارت مالیه است.

البته حملاتی که وزارت مالیه در این موضوع میشود خودشان تشریف دارند و دفاع خواهند کرد ولی بنده برای کسر مخارج انتفاعی دلیلی نمی بینم.

ما خواستیم یک معنی پیدا کنیم آن وقت یکمرتبه صدوسی هزار تومان از مخارج انتفاعی کسر کردیم.

اگر جایش را نندید چرا این مبلغ را کسر کردید ممکن بود صدهزار یا صد و پنجاه هزار یا بیشتر یا کمتر کسر بفرمائید اگر شما خرجش را میدانستید و این مبلغ را صلاح میدانستید کسر کنید خوب بود دلش را میکشید که ما هم دانسته و از روی دلیل رأی بدهیم و الا یکمرتبه از یک قلم مخارج برای خوش آمد صدوسی هزار تومان کسر کردن بقیه بنده دلیلی ندارد.

باید دید کسر مخارج هر وزارتخانه از کدام محل و چه چیزی زیاد است تا آنوقت مجلس عالماً هماماً از بودجه و مخارج آن وزارتخانه کسر کند والا مخارج انتفاعی یک وزارتخانه آنهم وزارت مالیه که باید خرج کند و انتفاع میبرد از دست قسمت مهم مخارج انتفاعی وزارت مالیه راجع به خالصات است و مخصوصاً امسال بواسطه گاو میری و عدم استقاهات رعیت و لزوم بذکاری کافی باید یک مخارجی بشود تا منافی را متضمن باشد و الا از منافع کسر خواهد شد - اینها یک چیزهایی است که محل احتیاج و در مورد خودش نهایت لزوم را دارد و در صورت کسر دست دولت بسته خواهد شد و در نتیجه نمیتواند یک کار و مخارج ضروری را بکند بنده نمیدانم دولت یا وزیر مالیه بکسر این مخارج قانع شده اند یا خیر؟ اگر قانع شده اند باید خودشان دفاع کنند.

البته این مسئله فلسفه اش این بوده است که اگر پول داریم زیادتر بدهیم و حالا که که نداریم کمتر بدهیم ولی مراعات حال مستخدمین را هم باید کرد.

مستخدمین که چند سال متوالی عادت کرده اند که چهل و دو تومان یا سی و دو تومان

قسمت مخارج قرض کنید کمتر خرج کرده اید.

در هر صورت بنده فلت میدانستم.

از آدمی که پس از ده سال خدمت با زنده تومان یا بیست تومان با حقوق میدهد دیگر صدهفت یا صد هشت حقوق تقاعد کسر کردن فلسفه و معنی ندارد با قانون استخدام را در باره آنها مجری کنید آن را که میگوید حالا نمیشود زیرا مبلغ کلی مخارج مملکت تحمیل خواهد کرد پس انلا این کسرها از آنها مرتفع کنید زیرا وقتی که آنها را مشمول قانون استخدام نمیکند دیگر این کسر معنی ندارد.

این هم یک قسمت اعتراض بنده هست که کمیسیون و دولت هر دو باید مساهمت کنند از آنها کسور تقاعد گرفته نشود.

این بود خلاصه نظریات بنده که اولاً آقایان وزراء قول بدهند و در نظر داشته باشند حالا که بوزارتخانه میروند هر کاری که دارند کنار گذارند و قبل از همه چیز بودجه سنه ۱۳۰۴ را نوشته و بوزارت مالیه بفرستند.

وزارت مالیه هم بمجلس شورای ملی بیارند.

حالا این کار سهل یا صعب است بنده نمیدانم در هر حال باید این کار را بکنند و مانعی هم برای انجام و اجرای این مقصود نمی بینم.

این اولین نظر بنده است که معتقدم هر چه زودتر دولت بهتر ترتیبی که خودش میداند بودجه سال آتی را تقدیم مجلس شورای ملی کند و این بودجه فعلی را هم پس بگیرد و قسمت عایدات را آنهایی که مربوط بیک قوانین مصوبه است و صورت قانونی دارد ذکر و تعیین کند و آن قسمت از عایداتی که مربوط و متکی بیک سابقه یا عملی است آن را معلوم کند تا هالماً عایدات از روی یک مدرک و مبتنی بر یک سابقه یا عملی رأی بدهیم.

همینطور نسبت باش که باید همان سی و دو تومان باشد و مخارج انتفاعی را هم یکمرتبه صدوسی هزار تومان کم کردن غلط است اینها خلاصه نظریات و معتقدات بنده بود حالا دیگر خودشان میدانند رئیس - آقای اشکر مغالفتید؟

اشکر - عجالتاً عرضی ندارم

رئیس - آقای تین (اجازت)

تین. در ضمن مذاکرات آقایان مخالفین بودجه در این چند روزها بنده قسمتهای اساسی را یادداشت کرده ام که حالا جواب هر کدام را بطور خلاصه به عرض میرسانم.

قسمت اول راجع به تأخیر راپورت اظهارات را که راجع به مستخدمین وزارت پست و تلگراف است چه درستون عایدات قرض کنید عایدی پیش بینی کرده اید یا در

از سال گذشته است و تازه یک راپورتی بمجلس میاید کذا و کذا بنده از نقطه نظر دفاع از کمیسیون بودجه و اینکه خودم در آنجا یکسفر عضو هستم ناچارم این قسمت را درست توضیح بدهم و هر ش کسرت آنطوریکه آقایان تصور کرده اند نیست.

تصدیق میفرمائید قبل از آنکه یک لایحه رسمی راجع به بودجه مملکتی از طرف دولت بکمیسیون برسد کمیسیون بودجه هیچ دستوری ندارد از بعد از چهاردهم حمل مطابق نظامات داخلی مجلس کمیسیون بودجه تشکیل شده است لایحه بودجه کل مملکتی که اول از طرف دولت آمد در تاریخ نهم برج ثور بود و در تاریخ یازدهم برج تور تقریباً تقدیم مجلس شده.

اگر آقایان بمقدمه راپورتی که از طرف کمیسیون بودجه تقدیم شده است مراجعه میکنند شاید یک قسمت از مشکلاتشان حل میشد که یکی هم همین مسئله تأخیر بود در اواسط برج ثور لایحه کل بودجه از طرف دولت تقدیم مجلس شورای ملی و بعد بکمیسیون ارجاع شد در این ضمن شروع شد باینکه بودجه تفصیلی هر یک از وزارتخانهها بکمیسیون بودجه بیاید تا بتدریج کمیسیون بجزئیات هر یک از آن بودجهها دقت کند.

در برج جوزا اگر خاطر آقایان باشد در موقعی که پیشنهاد تصویب یکدوازدهم شده بود بواسطه اینکه بعضی از بودجهها هنوز نرسیده بود در همین مجلس رأی داده شد که هر یک از وزارتخانهها که بودجه تفصیلی خود را تا آخر برج جوزا تقدیم مجلس نکند حق دریافت یکدوازدهم را نخواهد داشت تا اینکه وزارتخانهها بودجه های تفصیلی خود را فرستادند.

پس مدتی که کمیسیون بودجه در مجموع بودجه های تفصیلی وزارتخانهها وقت صرف کرده اند سرطمان است. اسد است. سنبله است و میزان.

کمیسیون علی الوضوئه داخل شدند اقلام جز بودجهها و کمیسیون به چوچه قصوری در ابقاء وظایف نکرد بلکه تکامل جدید و نهایت سعی و کوشش وظیفه خودش را انجام داده است.

ولی در ضمنی که وارد شد به راجعه بودجههای تفصیلی بیک مشکلاتی برخورد و البته همان طوریکه آقایان در اینجا اظهار میکنند باید توضیح خواست که این مالیات مستقیم از چه بابت و اقلام جزیش چیست؟ مالیات جاروب است مالیات پاروست؟ مالیات داس است؟ مالیات نبرست

کلیتاً صد و پنجاه قلم مالیات است. البته این نظرها را کمیسیون بودجه داشت کمیسیون بودجه باید از کجا توضیح بخواند؟ البته از وزیر مالیه باید توضیح بخواند.

چقدر این تجارت ضرر دارد چه عرض کنم.

باید اینها موقوف شود اگر دولت میبندد عایداتش کم میشود باید بمجلس بگوید این مالیاتها را نمیگیریم و بجای آن لویج مالیاتی قانونی پیشنهاد می کنیم.

راجع به مالیات مستغلات باینکه تصریح شده که از مرکز شهرهای بزرگ گرفته میشود مع ذلک مأمور مستغلات توی یک دهه میروند از آنجا مالیات مستغلات میگیرند یا از یک کارونسرا مطالبه مالیات میکنند.

وقتی که اعتراض میشود میگوید من بحکم امین مالیه اینکار را کرده ام وقتی که از امین مالیه سؤال میشود چرا این کار را کردی اظهار میدارد از مقام ما فوق بمن این دستور داده شده است.

وقتی که از مافوق سؤال میکنیم که برای چه این مالیات گرفته میشود میگوید در ضمن بودجه رأی داده اید و حال آنکه در قانون مستغلات مصرح است که از ده نایب مالیات مستغلات گرفت پس اگر تصریح میشد که عوائد مستغلات بموجب قانون مصوبه مجلس.

اگر جایش را نندید چرا این مبلغ را کسر کردید ممکن بود صدهزار یا صد و پنجاه هزار یا بیشتر یا کمتر کسر بفرمائید اگر شما خرجش را میدانستید و این مبلغ را صلاح میدانستید کسر کنید خوب بود دلش را میکشید که ما هم دانسته و از روی دلیل رأی بدهیم و الا یکمرتبه از یک قلم مخارج برای خوش آمد صدوسی هزار تومان کسر کردن بقیه بنده دلیلی ندارد.

باید دید کسر مخارج هر وزارتخانه از کدام محل و چه چیزی زیاد است تا آنوقت مجلس عالماً هماماً از بودجه و مخارج آن وزارتخانه کسر کند والا مخارج انتفاعی یک وزارتخانه آنهم وزارت مالیه که باید خرج کند و انتفاع میبرد از دست قسمت مهم مخارج انتفاعی وزارت مالیه راجع به خالصات است و مخصوصاً امسال بواسطه گاو میری و عدم استقاهات رعیت و لزوم بذکاری کافی باید یک مخارجی بشود تا منافی را متضمن باشد و الا از منافع کسر خواهد شد - اینها یک چیزهایی است که محل احتیاج و در مورد خودش نهایت لزوم را دارد و در صورت کسر دست دولت بسته خواهد شد و در نتیجه نمیتواند یک کار و مخارج ضروری را بکند بنده نمیدانم دولت یا وزیر مالیه بکسر این مخارج قانع شده اند یا خیر؟ اگر قانع شده اند باید خودشان دفاع کنند.

البته این مسئله فلسفه اش این بوده است که اگر پول داریم زیادتر بدهیم و حالا که که نداریم کمتر بدهیم ولی مراعات حال مستخدمین را هم باید کرد.

مستخدمین که چند سال متوالی عادت کرده اند که چهل و دو تومان یا سی و دو تومان

شروع کرد بغواستن توضیح شفاهی و کتبی وبالآخره در نتیجه مذاکرات کمیسیون یک توضیحاتی داده شد که این توضیحات کمیسیون را قانع نکرد در ضمن هم لایحه قطع اظهارات از طرف وزیر مالیه میشد که عملی کنید در تصویب بودجه که اگر یکروز بتأخیر بیفتد خط آهن درست نخواهد شد اگر در روز تأخیر شود کمیسیون و مجلس مشغول کسر عایدات کلی خواهند بود وجه وجه

بنا بر این علت تأخیر این بوده است و تصور می کنیم در این قسمت کمیسیون بودجه هیچ قصوری نکرده است بیستم میزان لایحه دولت رسیده و کمیسیون بعد از آن چند جلسه تشکیل داده و بعد راپورت داده است طبع و توزیع هم شده

قسمت دوم از خلاصه مذاکرات و اشکالاتی که آقایان می کنند راجع بطرز مالیات گرفتن است در این مملکت بعضی مالیاتهایی است که شاید جدیدی نمی گیرند و نظر آقایان نمایندگان این است که باید مالیه اصلاح شود و بالاخره جلوگیری از حیف و میل عایدات شود و یک صورت

منظم و عادلانه پیدا کند این طرز مالیات گرفتن در مملکت ایران قسمت اساس است که خیلی بد است و کسی هم منکر نیست اما مخالفتی که هست این است که در چه موقع باید داخل در مذاکره اصلاح شد و چه وقت باید گفت که فلان مالیات طرز گرفتن صحیح نیست و فلان طرز باید گرفت بالاخره کدام کمیسیون صلاحیت دارد که رسیدگی کند در این قسمتها

بنده تصور می کنم تمام این حرفها باید ازین برود ولی تصدیق بفرمائید که در ضمن قانون بودجه مالیه اصلاح نمیشود و تصدیق می کنم که یک مالیاتهای عجیب و غریب عهد دقیانوس از مردم گرفته می شود

ولی این مالیاتها قابل اصلاح نیست و این مالیاتها را باید حذف کرد مالیاتهای عادلانه از روی عایدات وضع کرد و آنرا اجراء کرد والا این مالیاتها را چه می کنیم فرض بفرمائید

مثلا مالیات صنف مالیات پوستین اینها را چه طور اصلاح می فرمائید این را هاش چیز دیگری است

اولا باید دولت را دعوت کرد خودشان هم در نظر گرفته اند و یک لایحه هم در چندی قبل تقدیم مجلس کردند که تقریباً خاطر می آید ۱۴۹ قسم مالیات در آن لایحه ذکر شده بود و آنها را پیشنهاد

کرده بودند که اداء شود و آنها از همین قبیل مالیاتهایی است که آقایان در ضمن بیان ایشان میفرمایند که باید ملغی شود در وقت هم این نظریه را داشته که ما این مالیاتها را نسخ کنیم و بجای آن یک مالیات عادلانه تری برقرار کنیم بالاخره این لایحه هم رفته است به کمیسیون مالیه

اما کمیسیون بودجه نمیتواند وضع مالیات کند بکمیسیون بودجه یک عایداتی را که دولت باو نشان میدهد تطبیق میکند با سوابق قانونی که به پیش سوابق قانونی یا عادی یا عملی وارد و بعد در موقع عمل خرج را هم ملاحظه میکند بعد تطبیق جمع و خرج می کند و غیر از این کار دیگری ندارد

شیر وانی - وظیفه مجلس است تدین - مجلس هم همین طور است اگر عقیده بیک مؤسسه نداشته باشد برای بخارج آن مؤسسه نمیدهد - پس این مسئله وظیفه کمیسیون قوانین مالیه است

بنده هیچ تصرفی بآن کمیسیون ندارم مقصود این است که البته باید از آنجا بیاید بمجلس یکی قانون میزنی است که باید

بیاورد و اصلاح شود و آنوقت تقریباً پنجاه قسم از این مالیاتها حذف خواهد شد بنده کاملاً با این ترتیب موافقم ولی اگر حالا در ضمن قانون بودجه

بیاوریم و بگوئیم مالیه باید اصلاح شود یا قائل شویم که باید قبلاً لایحه میزنی بیاورد در مجلس و مطرح شود و بودجه بتأخیر نیفتد

صورت خارج نیست باینکه باید مخرجی که دولت و ادارات دولتی دارند اصلاح داده نشود یا اینکه ناچار باید یکسوزدهم بطور تصویب کنیم

یک دوازدهم را بنده عرض نمی کنم بضرر ماست و اگر بنا شود این بودجه را بیاندازند تا قانون تصاعدی یا قانون میزنی بگذارند بالاخره نتیجه اش اینست امور مملکتی فلج میشود و نمیشود گفت یک مخرجی را که لازم است نکنند

بنده در عین اینکه موافقم که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود

بنده در عین اینکه موافقم که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود

بنده در عین اینکه موافقم که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود

بنده در عین اینکه موافقم که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود

بنده در عین اینکه موافقم که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود

بنده در عین اینکه موافقم که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود

بنده در عین اینکه موافقم که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود

بنده در عین اینکه موافقم که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود

بنده در عین اینکه موافقم که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود ولی این عین اینست که مالیه باید اصلاح شود

میگوید در عین اجرای این قانون هر کس شاغل هر شغلی است آن شغل باید با یکی از این رتبه های نه گانه تطبیق شود و همان رتبه رتبه رسمی مستخدم است

ما بعد از اینکه مراجعه به بودجه تفصیلی کردیم دیدیم اینطور نشده شغل مستخدم تطبیق بر رتبه ها نشده است

در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده

در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده

در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده

در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده

در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده

در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده

در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده و در بعضی جاها سابقه خدمت را مبده

قانون استخدام نبود مانعی نتوانستیم قبول کنیم علاوه بر این در قانون استخدام از نقطه نظر حقوق قید شده که حقوق رتبه اول را قانون بودجه معین می کند یا سی و دو تومان یا سی و پنج تومان یا هر چه - حقوق رتبه اول را قانون بودجه هر سال یعنی مجلس تصویب می کند و حقوق سایر مراتب را بترتیب همان اشلی که معین شده وزارتخانه معین می کنند

در سال اول اشلان حقوق و تفاوت بین حد اقل و اکثر یا دادن حد اکثر مطابق قانون استخدام متنوع است و در سنده تفکوز تیل سال اول اجراء این قانون اینکار را در وزارتخانه ها کرده اند و رعایت این اصول را وزارتخانه ها نکرده اند و تفاوت بین حد اقل و اکثر یا اینکه حد اکثر دادند در بودجه امسال هم همین حال را داشتیم یعنی حقوق رتبه را خودشان معین کرده اند و از آنکه نظر حقوق نیاستی بر تبه افتخاری قائل شوند در صورتی که شده اند و حد اکثر حقوق را هم قائل شده اند و اینطور میشود معاون اداره با رتبه مدیر کل حقوق حد اکثر سید و دوازده تومان یا مدیر دائره عوض اینکه حد اقل حقوق را بیاورند حد اکثر را میگیرند

کمیسیون اینطور عقیده دارد و داشت که بر طبق قانون استخدام نمیتوان حد اکثر را داد چون هنوز موقع این کار نرسیده است بنا بر این نمی توانستیم بپذیریم

علاوه بر این قانون استخدام که در سوال سه سال میگردد تصریح میکند اشخاصیکه رتبه ها شان معین شده از رتبه یک تا پنج دوسال باید در این مقامات بمانند با استثنای صاحبان دیپلم و تصدیق مدارس عالی و از رتبه پنج تا رتبه نه باید سه سال بمانند بعد ترقی کنند

بنابراین در این مراتب پنج گانه مادون یعنی از ثباتی تا ریاست شعبه باید دو سال بگذرد و در رتبه مافوق اگر جا پیدا شد و واجد شرایط بود این شخص ارتقا رتبه حاصل میکند

هم چنین مدیر دایره باید سه سال بماند تا بتواند معاون اداره شود اگر معاون اداره مقامش خالی نبود این شخص اینجامیاند و یک رتبه افتخاری باو میدهند در وزارت مالیه بودجه تفصیلیست و اینطور نشده تمام آقایان نمایندگان می توانند ملاحظه کنند فلان شخص معاون اداره است با رتبه مدیر کل بساین دلیل هفده مدیر کل درست شده

شیر وانی - ما هم ایرادمان همین بود

تدلین - اجازه بدهید این همان اشلی است که شما برای آن سنک بسینه میزید ما هم همین ملاحظه قبول نکردیم

بنابراین چون این موضوع مطابق با قانون استخدام نبود مانعی نتوانستیم قبول کنیم

بنا بر این نسبت بقسمت اول البته دولت میتواند یک پیشنهاد جدیدی بکند که حقوق ثبات چندر باشد و نسبت به بقیه چون مخالف قانون استخدام بوده است تا قانون استخدام باقی است نمیشود قبول کرد

یک قسمتهای دیگری هم یاد داشت کرد ام ولی از آنهاهی که اهبش کمتر است میگذرد و بقسمت مهمتری می پردازم و بیشتر از این وقت آقایان را توضیح نمی کنم موقع گذشته ظهر هم گذشته است

راجع بکسر تقاعد مستخدمین پست و تلگراف اینجا اشاره شد

این مربوط بقانون بودجه و کمیسیون بودجه نیست و در عین اینکه در این قسمت دقت هم شده است لکن مربوط بودجه نیست و تقریباً میتوان گفت این بودجه مطابق با قانون استخدام است

اما کسر مخرج انتقاعی این مخرج انتقاعی هم از جمله چیزهای بفرنجی است که بنده میخواهم خلاصه اش را عرض کنم که این مخرج انتقاعی چه بوده است

یک صورتی بما داده اند از مخرج انتقاعی برای خلاصه یعنی تمام خالصجاتی که متعلق بدولت ایرانست و مخرج انتقاعی آن در سال عبارتست از سصد و شصت و هفت هزار و سصد و سی و سه تومان این مخرج انتقاعی کل خلاصه است این یک قسم

یک قسم هم مخرج انتقاعی عوائد غیر مستقیم است و یک قلم از آن مخرج صد و هفتاد و دو هزار و شصت و هشتاد و هفت تومانست

این مخرج انتقاعی عوائد غیر مستقیم ما توضیح خواستیم فهمیدیم این مبلغ در سال خرج بدبختی مملکت میشود یعنی برای یختن سوخته تریاک و شیره درست کردن و تحمیل باین مردم بدبخت کردن مصرف میشود و از این راه تحصیل عایدات میکنند

در صورتیکه مقصود مجلس شورای ملی در آن دوره که قانون تحدید را وضع کرده این بود که این سن مهلت بتدریج از بین برود و در آن قانون اصلاعنوان سوخته و شیره نبود اینهم یکی

بنا بر این نسبت بقسمت اول البته دولت میتواند یک پیشنهاد جدیدی بکند که حقوق ثبات چندر باشد و نسبت به بقیه چون مخالف قانون استخدام بوده است تا قانون استخدام باقی است نمیشود قبول کرد

یک قسمتهای دیگری هم یاد داشت کرد ام ولی از آنهاهی که اهبش کمتر است میگذرد و بقسمت مهمتری می پردازم و بیشتر از این وقت آقایان را توضیح نمی کنم موقع گذشته ظهر هم گذشته است

راجع بکسر تقاعد مستخدمین پست و تلگراف اینجا اشاره شد

این مربوط بقانون بودجه و کمیسیون بودجه نیست و در عین اینکه در این قسمت دقت هم شده است لکن مربوط بودجه نیست و تقریباً میتوان گفت این بودجه مطابق با قانون استخدام است

اما کسر مخرج انتقاعی این مخرج انتقاعی هم از جمله چیزهای بفرنجی است که بنده میخواهم خلاصه اش را عرض کنم که این مخرج انتقاعی چه بوده است

یک صورتی بما داده اند از مخرج انتقاعی برای خلاصه یعنی تمام خالصجاتی که متعلق بدولت ایرانست و مخرج انتقاعی آن در سال عبارتست از سصد و شصت و هفت هزار و سصد و سی و سه تومان این مخرج انتقاعی کل خلاصه است این یک قسم

یک قسم هم مخرج انتقاعی عوائد غیر مستقیم است و یک قلم از آن مخرج صد و هفتاد و دو هزار و شصت و هشتاد و هفت تومانست

این مخرج انتقاعی عوائد غیر مستقیم ما توضیح خواستیم فهمیدیم این مبلغ در سال خرج بدبختی مملکت میشود یعنی برای یختن سوخته تریاک و شیره درست کردن و تحمیل باین مردم بدبخت کردن مصرف میشود و از این راه تحصیل عایدات میکنند

در صورتیکه مقصود مجلس شورای ملی در آن دوره که قانون تحدید را وضع کرده این بود که این سن مهلت بتدریج از بین برود و در آن قانون اصلاعنوان سوخته و شیره نبود اینهم یکی

بهر حال سی و پنج هزار تومان هم بعنوان ذخیره نوشته بودند که کلیه جمع مخارج انتفاعی میشود ششصد و هفتاد و پنج هزار تومان.

مخارج ضرابخانه صد هزار تومان. البته این قسمت اعتبار است. در بودجه گذشته هم صد هزار تومان اعتبار داده شده است یعنی دولت حق دارد تا این مبلغ خرج کند.

ولی در قسمت عایدات که بما صورت داده اند عایدات ضرابخانه سی هزار تومان است البته ما هیچ منکر نیستیم که مخارج انتفاعی باید بشود.

همان طور که هر ملاکی نسبت به ملک شخصیش باید خرج بکند تا بهره بردارد دولت هم باید خرج کند تا از خالصاتش بهره بردارد.

کسی منکر نیست و تردید هم ندارد اما ما آمدیم دیدیم مخارج انتفاعیش سیصد و شصت و هفت هزار و سیصد و سیزده تومان است و چهار صد هزار تومان و خرده بهره برداری.

بالاخره ما آمدیم ازین محل مخارج انتفاعی با موافقت دولت يك محلی پیدا کردیم برای منتظرین خدمت البته همه آقایان میدانند يك عده زیادی بعد از اجرای قانون استخدام در این مملکت بی کار شده اند و اغلب آنها مردمان فقیر و مردمانی هستند که منحصر آ وسیله اعاشان استخدام دولت بوده است و در این لایحه جدید يك شاهی برای آنها منظور نشده بود و از سایر بودجه ها هر چه خواستیم کسر کنیم دیدیم محلی ندارد بالاخره این مخارج انتفاعی ششصد و هفتاد و پنج هزار تومان بطوریکه صورت داده بودند ما را قانع نکرد اگر يك صورتی بعد بدهند آن موضوع دیگر نیست بنابراین صد و بیست و پنج هزار تومان کسر کرده اند برای حقوق منتظرین خدمت.

ضیاء الواعظین - از روی چه قاعده. تدین - آقا شما مدتی منبر بوده اید و میدانید اگر کسی پای بیژان حرف میزد اوقاتان تلخ میشد.

محض رعایت منتظرین خدمت که حقیقه آقایان را میبینم يك احساسات خوشی دارند نسبت باین مردم که باید بآنها کمک کرد بالاخره ما محلی که پیدا کردیم اینست علی ای حال اگر آقایان محل دیگری پیدا میکنند مخالفت نداریم و باین قسمت دولت هم موافقت کرده است.

تصور میکنم که دیگر باید بنده خاتمه بدهم چون ظهر گذشته است حرف خیلی داریم و در شورد در مواد مجال هست که صحبت کنیم.

ماده اول - دوم - سوم و سایر مواد آقایان اعتراضات خودشان را میفرمایند بنده و آقای مظهر و سایر آقایان هم هر چه

توضیحات داشته باشیم بعرض آقایان میرسانیم و تصور میکنم همه ما عقب این اصل میگردیم که باید مالیه اصلاح شود و مخارج بیهوده نشود و بی ربط و ظالمانه از مردم پول نگیرند.

این اصلی است که همه میدانیم و میخواهیم ولی مذاکره در راهش است

وزیر فوائد عامه - بنده لازم میدانم توضیح بدهم.

رئیس - اجازه بفرمائید. پیشنهادی شده است که مقدم است

وزیر فوائد عامه چیز عجیبی است میخوام از طرف دولت توضیح بدهم حق دارم.

(از محل نطق بمنزل خود مراجعت نمودند)

رئیس - آقایان اجازه میفرمایند آقای وزیر فوائد عامه قبل از مذاکره در پیشنهاد صحبت بفرمائید

جمعی از نمایندگان - بفرمائید وزیر فوائد عامه - همینطور که

تصور میشد در باب اشل صحبت هائی و در ماده سیزده ممکن است توضیحاتی داده شود که رفع نگرانی بشود در ضمن شور در کلیات بیاناتی در اشل شد که لازم میدانم نقطه نظر دولت عرض شود همانطور که آقای تدین فرمودند در موقی که بودجه تنظیم شد بعضی از وزارتخانه ها را جمع باشل و تقلیل بودجه که

برای آنها داده شده بود ناراضی بودند و از طرفی کسوراتی در بین بود که برای جبران آن حقوق درجه اول تنزل داده شود

ولی از صرفه جوئیها که در وزارتخانه ها میشود صرف بعضی از مخارج دیگر شود و تصور میشد این راه عیب و اشکالی نداشته باشد

از این نقطه نظر بود که در کمیسیون بودجه بالاخره حد اشلی برای مستخدمین معین شده بود و دو تومان تقلیل و سی تومان معین شد ولی در ضمن يك ترتیب دیگری پیش آمد و آن این بود که يك ارقام و اعتبار قطعی برای وزارتخانه ها معین شد باین معنی که گفته شد ولو اینکه در يك وزارتخانه دیگر اگر اعتبارش کافی نباشد مجبور خواهد بود يك قسمت از تشکیلات خود را حذف کند یا هر کاری میخواهد بکند

بس وقتی که این اصل معترض شد قطعاً نظر دولت هم تغییر میکند و حالا دولت مطلقاً موافق نیست که از آن سی و دو تومان چیزی کسر شود زیرا آن حکمت و فلسفه که ایجاد میکرد کسر را حالا در بین نیست از این جهت علت ندارد از اشلی که سابقاً معمول بوده است چیزی کسر شود

مادام که وزارتخانه در حدود يك اعتبارات معینه زندگانی میکنند و صرفه جوئی هائیکه از وزارتخانه ها حاصل میشود برای وزارتخانه های دیگر صرف نمیشود

البته به ترتیب میتواند باید مخارج خود را در حدود و اهتباریکه دارند تعیین نمایند

باینجهت است که دولت قطعاً در خواست میکند که کمیسیون محترم بودجه موافقت کنند و اگر ممکن است این پیشنهاد را بپذیرند که همان سی و دو تومان اولی مأخذ اشل باشد.

رئیس - دو فقره پیشنهاد شده است

راجع بکفایت مذاکرات یکی راجع بختم جلسه از طرف آقای معتمد السلطنه راجع به کفایت مذاکرات پیشنهاد شده است

آقای معتمد السلطنه (اجازه)

معتمد السلطنه - بعد از این مذاکرتی که از طرف مخالفین بودجه شده بنده خیال میکنم يك قسمتی از مخالفت های آقایان راجع بکسر اشل بود خود بنده هم بانقصان اشل مخالف بودم و اجازه هم خواستم ولی چون وقت مجلس بتوضیحات مفصل میگذرد نوبت بنده نرسید و گمان میکنم بعد از نطق آقای تدین و آقای وزیر فوائد عامه تقریباً نظریات غالب آقایان تأمین شده است باینجهت پیشنهاد کردم مذاکرات در کلیات کافی باشد و در مواد آقایان نظر شد دارند پیشنهاد کنند تا در آنهارای گرفته شود

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس باین تجربیاتی که در این چند سال شده است وقتی مجلس يك رأی بدهد آنچه دولت بکنند میگوید مجلس قبول کرده است یا رسال یکرأی مجلس داد و حالا هر چه سؤال از وزراء میکنیم هر چه شکایت میکنیم میگویند یا رسال در بودجه اجمالی رأی داده اید

بنده تعجب میکنم که برای ملائم صنعتی قریب بیست جلسه وقت مجلس صرف پیشنهاد و مذاکرات آن شده و برای بودجه لااقل سه جلسه آقایان گوش نمیدهند تا مخالفین مطالبشان را بگویند در صورتیکه باید هر کس حرف خودش را بگوید و اعتراضات افلا گفته شود و هر کس نسبت بشهر خودش صحبت کند وجه اهمیت دارد و جلسه دیگر هم طول بکشد؟

بالاخره بنده مذاکرات را کافی نمیدانم

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات.

آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند.

(قیام فرمایند)

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. معلوم میشود کافی است

وزیر مالیه - دو فقره لایحه است

بعضی اصلاحات در کترات مبومولیر رئیس کمراکات است

رئیس - قبل از اینکه آقای وزیر

فوائد عامه صحبت کنند و فقره پیشنهاد رسیده بود که راجع بدستور بود بنده بایشن عرض کردم باید اول پیشنهادها قرائت شود و ایشان تعرض کردند برای اینکه معلوم شد عرض بنده بیهوده نبوده است ماده ۹۷ قرائت میشود تا معلوم شود در پیشنهاد باید قبل از رأی گرفته شود

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۹۷ - تقاضاهائی که راجع بدستور مذاکرات مجلس یا راجع بحق تقدم است و نیز آنها که راجع بر رعایت نظامنامه داخلی است همیشه بر مسئله اصلی تقدم دار و مذاکرات مسئله اصلی را توفیق مینماید.

ولی هرگاه شخصی مشغول نطق در مسئله اصلی شده باشد تا نطق اوتتام نشود مطالب مذکور تقاضا نمیشود.

وزیر فوائد عامه - بنده اولاً

تعرض نکردم و قتیکه فرمودید آمدم اینجا بعد هم با اجازه مجلس نطق کردم و بعلاوه گمان نمیکنم این ماده قانونی شامل حال دولت باشد.

رئیس - شامل مذاکرات مجلس است

رایورت کمیسیون عرض مرخصی قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

آقای سرکشیک زاده نماینده محترم بجهت اصلاح مزاج تقاضا کرده اند از ۳۴ عقرب ده روز اجازه مرخصی داده شد

کمیسیون عرض مرخصی تقاضای ایشان را بمورد دانسته تصویب مینماید

رئیس - ایشان تقاضا کرده اند که از روز تصویب باشد رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

ایضاً رایورت کمیسیون مرخصی راجع بمرخصی آقای مدبر الملک بشرح ذیل قرائت شد.

آقای مدبر الملک (سهراب زاده) نماینده محترم تقاضای ده روز مرخصی از تاریخ ۱۸ عقرب بجهت معالجه و اصلاح مزاج کرده اند کمیسیون تصویب مینماید که غالباً اجازه نوشته شود

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه مرخصی ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم

جلسه آینده روز سه شنبه دستور هم رایورت کمیسیون بودجه راجع بودجه کل مملکتی

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک منشی علی اقبال الممالک منشی - معظم السلطان